



دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۷  
چهارشنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

# استقبال پر شور زحمت کشان ایران از نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان ضد انقلاب هم در کارزار انتخاباتی اخلال گری و خرابکاری را تشدید کرده است صفحه ۶

# نامزدهای مجلس خبرگان! مردم ایران باشما سخن میگویند

هموطنان عزیز! نامزدهای مجلس خبرگان! شما باید در تصویب آن قانون اساسی بکوشید که امپریالیسم را از وطن ماریشه کن کند، آزادیها و حقوق دموکراتیک را تأمین نماید و راه تکامل جامعه ایران را هموار سازد

## گزینش

یک خوشه از کهکشان توده ستارگان دست چین شده در آسمان چشمانمان.  
پرندگان بلند بال آزادی رها از کمند رنگین کمان.  
درخت گل از ریشه رازناک رنج تندیس های تند و توفان بربستون ایمان.  
میوه سرخگون شجاعت در سبد مردم چهره های رخشان خرد در نامنامه بزرگان.  
اینک ای توده، برگزین عشق را و وفا را بازماندگان سپیده دمان را شهیدان زنده را شبم های سنگ شده را سنگ های سخنگو که کلامشان فواره های برکت بر ما میگردانند  
و بدر محبت درما می نشاند  
ای توده برگزین و باش بسامان.  
با سرود پیوند با آهنگ کار سرداران سر بلندمان می آیند راه بگشایند خواهران و برادران! «فرها ره آور»

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیرو اطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما از نامزدهای غیر حزبی برای مجلس خبرگان، اینک به اطلاع میرساند که در کورنشاه، اعضاء و هواداران و دوستان حزب، علاوه بر رفیق رضاشلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران،

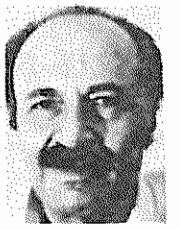


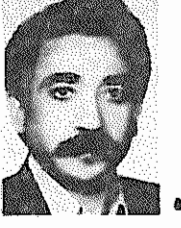




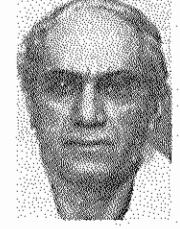
## نامه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی امام

حضرت آیت الله محمد رضا مهدوی کنی  
با توجه به تسهیلات و امکاناتی که انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی در زمینه آزادیهای دموکراتیک فراهم آورده است، و نیز با توجه به اعلام و اقدام مقامات مسئول در تأمین آزادیهای افراد، احزاب و سازمان های سیاسی برای تشریح نظراتشان نسبت به پیش نویس قانون اساسی و برگزاری میتینگهای انتخاباتی، به اطلاع میرساند که از طرف این حزب، در روز ۳ شنبه دهم مرداد، از ساعت شش و نیم بعد از ظهر، اجتماع در زمین چمن دانشگاه تهران برگزار خواهد شد که در آن چند تن از نامزدهای حزب توده ایران سخن خواهند گفت. با توجه به مزاحمت هایی که

رفقا: احسان طبری، مریم فرمانفرمایان (فیروز) و صابر محمدزاده نامزدهای نمایندگی حزب توده ایران برای مجلس خبرگان از تهران، روز چهارشنبه دهم مرداد ماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر، در زمین چمن دانشگاه تهران، درباره سیاست حزب توده ایران سخن خواهند گفت.

طی چند روز گذشته از طرف عناصر بی مسئولیت نسبت به توزیع کنندگان اعلامیه های حزب بعمل آمده است، از شما انتظار داریم که امنیت اجتماع روز چهارشنبه را تأمین فرمائید. با احترام  
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۸/۵/۹

## نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

	رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق ابوتراب باقرزاده عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - ازمازندران
	رفیق احسان طبری عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق آصف رزم دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق انوشهر وان ابراهیمی عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
	رفیق صابر محمدزاده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق مریم فرمانیان فیروز عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق حسین جودت عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
	رفیق علی خامنه‌ای خراسانی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از خراسان
	رفیق محمد علی عمونی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق غلامرضا روحانی شهرکی از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان
	رفیق عباس حجری بجنستانی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
	رفیق حسین آذر از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان
	رفیق رضا شلتوکی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از کرمانشاه
	رفیق علی اکبر مایل زاده از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان - از خوزستان
	رفیق رضا شلتوکی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از کرمانشاه

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد

# نامزدهای مجلس خبرگان! مردم ایران باشما سخن می گویند:

اساسی ایران آزاد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید این حقوق را برای توده‌ها و زحمتکشان به رسمیت بشناسد؛  
- حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای، حق اعتصاب، حق آموزش، حق بهداشت، حق داشتن مسکن مناسب.  
به اینها باید حق خلقهای ایران را در تعیین سر نوشت خویش افزود.  
- قانون اساسی آینده ایران باید تامین حاکمیت خلق ایران از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی را تضمین کند.

نامزدهای مجلس خبرگان، خواهران و برادران عزیز! زنان ایران، این نیمی از جمعیت کشور، حق خود را، که شاهان و جباران زیرچکمه‌های خون‌آلود پامال کرده‌اند، از آن قانون اساسی که شما می‌نویسید، طلب میکنند؛  
- **زنان میخواهند و باید با مردان برابری کامل داشته باشند.**

مردم ایران که سالیان دراز شکنجه شده‌اند، دست و پای بهترین فرزندان را بریده‌اند و تن‌های شریف مبارزانش را سوزانده‌اند، میخواهند که در قانون اساسی آینده،  
- **به هر نوع شکنجه جسمی و روانی پایان داده شود.**  
هموطنان! نامزدهای مجلس خبرگان!

کار شما هنوز تمام نیست! تازه آغاز کار است! برای بنیادهای که گفتیم، با تامین آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم ایران، خنجر آنچنان قانون اساسی را طلب میکند که ریشه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را برای همیشه قطع کند. از اینرو نظام اقتصادی ایران آزاد باید بر پایه مالکیت‌های دولتی، تعاونی و مالکیت خصوصی استوار شود.

بازتاب این خواستها در اصول سیاست خارجی راه‌مبارزه با امپریالیسم را هموار میکند. مردم می‌خواهند که قانون اساسی تصریح کند که ایران آزاد بر پایه عدم تمهید، در بلوک‌بندیهای نظامی شرکت نمی‌کند، برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی میکوشد، همزیستی مسالمت‌آمیز را تقویت میکند و پشتیبان همه خلق‌هایی است که علیه استعمار، نواستعمار، امپریالیسم، صهیونیسم و فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته‌اند.

هموطنان عزیز! نامزدهای مجلس خبرگان!  
پیام خلق اینست،  
- **قانون اساسی ایران، باید بازتاب روح انقلاب ملی و دمکراتیک ما باشد.** قانون اساسی باید دستاوردهای انقلاب را تثبیت کند، حقوق خلق و زحمتکشان را تامین نماید و راه را برای رشد و تکامل جامعه ایران باز کند.

هموطنان عزیز! نامزدهای مجلس خبرگان!  
خلق چنین می‌خواهد که گفتیم میلیون‌ها نفری که بسه پای سند و قهقه‌های رای می‌روند، به امید تحقق این آرزوها، شمارا به مجلس خبرگان می‌فرستند. از هم اکنون آماده دفاع از چنین قانونی باشید.  
هموطنان عزیز! مردم قهرمان ایران!  
شما که دست توانای تاریخید، شما که توفان انقلاب را برانگیختید، شما که در صفوف بی‌پایان به نبرد اهریمن رفتید، شما که سوگند خوردید امپریالیسم را نابود کنید، شما سازندگان امر و فرمای ایران، کسانی را به مجلس خبرگان بفرستید که بانگ توفانی شمارا در خطوط قانون اساسی به ثبت برسانند. کسانی را به مجلس خبرگان بفرستید که از خواست‌های ملی و دمکراتیک شما دفاع کنند.

هموطنان عزیز!  
نامزدهای حزب توده ایران، که از آزمون آتش و خون، شکنجه و بیداد گذشته‌اند، وفاداری خود را به خواست‌های شما، در تیره‌ترین روزها و دشوارترین شرایط به اثبات رسانده‌اند. برای رسیدن به خواستهای خود به نامزدهای حزب توده ایران رای بدهید.

**نامزدهای حزب توده ایران ، صدای رنجبران ایرانند**

هموطنان عزیز! نامزدهای مجلس خبرگان!  
اکنون، در این روزهای سر نوشت‌ساز، لحظه‌ای درنگ کنیم اندیشه‌ای دوباره لازم است. زمان بس حساس است، وظیفه ما بس خطیر. قافله دراز شهیدان، آن زنان و مردان و کودکان، که خون خویش را بر چهره غریت ستعمار فروپاشیدند، تا ایران آزاد، آباد و مستقل باشد، چشم‌نگران شماست. بر شما چشم‌دوخته‌اند تا چه می‌کنید؟ آن نسیم که از مزار شهدا می‌آید، پیامی با خود دارد، ما در خیابان‌ها تیر باران شدیم، زنجیر تانک‌ها پیکر ما را در هم پیچیدند، سر نیزه‌ها سینه‌ها را مالامال از عشقان را دریدند، تا مردم کشورمان آزاد باشند، آزاد از یوغ استبداد و امپریالیسم... از یاد نبرید! ما شهیدان در خون پییده، خاک را توتیای چشم کرده، شمارا چشم در راهیم!

این پیام را، صدای خلق قهرمان ایران همراهی می‌کند. خلقی که در امواج توفانی انقلاب خود، رژیم شاهنشاهی را به گور فرستاد و هشت نیر و منندش امپریالیسم خونخوار را با سر گیجه انداخت. این خلقی که در دستی برای مبارزه با امپریالیسم تفنگ دارد و به دست دیگر پتک و داس را برای نوسازی ایران می‌فشارد. باشما سخن می‌گوید. چنین می‌گوید،

**پیام انقلاب را از یاد نبرید!**  
**پیام انقلاب چیست؟ انقلاب چه میخواهد؟**

انقلاب ایران، يك انقلاب ضد امپریالیستی بود و هست. لبه تیز این انقلاب بیش از هر چیز متوجه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بود و هست. این دشمن خونخوار و غارتگر همه خلقهای جهان، این دشمن اصلی مردم ایران، از انقلاب مردم‌دلاور ما ضربه خورده، ضربه‌ای سهمگین. ولی هنوز از پا در نیامده است. هنوز در زمین بلاکشیده‌ها مارپشه دارد. هنوز بر پایگاههای مهمی متکی است. و به اتکاء همین پایگاههاست که همچنان بر علیه انقلاب توطئه میکند. این ریشه را باید یکبار برای همیشه کند. این پایگاهها را باید نابود ساخت. بدون اینکار، انقلاب بزرگ مردم ایران همیشه در خطر است.

قانون اساسی محصول انقلاب باید دارای چنان موادی باشد که دست خونین امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را از ایران قطع کند.

هموطنان عزیز! خواهران و برادران نامزد مجلس خبرگان! انقلاب ضد امپریالیستی ایران، انقلابی که گلوله‌های آمریکائی هزاران فرزند او را به خاک و خون کشیده، انقلابی که در جریان آن نفرت توده‌ها، همان توده‌هایی که به شمارای میدهند تا سخن گوی آنها باشید، در راه پیمائی‌های میلیونی، نسبت به امپریالیسم ابراز شده است، از شما طلب می‌کند،  
- **امپریالیسم باید در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی از ایران ریشه کن شود.**

راه نفوذ امپریالیسم با نفوذ قراردادهای گوناگون، که تعداد آنها به ۱۰۰۰ میرسد، با برچیدن پایگاههای نفوذ آن در همه زمینه‌ها باید برای همیشه بسته شود.

پیام انقلاب ایران چنین ادامه می‌یابد: آزادی برای همه نیروهای خلقی. آزادی برای مردم، برای کارگر، برای دهقان، برای روشنفکر، برای آنان که در عشق ایران و خلق ایران می‌سوزند. آزادی برای توده‌ها، برای رنجبران، برای پسا برهنه‌ها. برای آنان که امام، مستضعفین خطا نشان میکند.

انقلاب ایران، که انقلابی دمکراتیک بود و هست، شاه و یارانش را که کارگزاران ستم بودند و همه را خاموش می‌خواستند، در زباله‌دان تاریخ دفن کرد، تا آزادی را به ارمانان بیاورد. حد این آزادی را، شما در مجلس خبرگان، به ثبت خواهید رسانید. سهمی از آن قانون اساسی که شما می‌نویسید باید تضمین کننده این خواست توده‌های میلیونی باشد،

- **تضمین آزادیهای دمکراتیک، آزادی احزاب، سندیکاهای، اجتماعات، مطبوعات، عقیده، قلم، بیان، مذهب... برای همه مردم.** این آزادیها را باید حقوق دمکراتیک کامل کند. قانون

## نامه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تحریکات عناصر مشکوک در کارزار انتخاباتی

به دفتر نخست وزیری،  
کمیته نظارت بر گزاری انتخابات وزارت کشور  
رونوشت: **مطبوعات**  
با آنکه از جانب مقامات مسئول نظارت بر انتخابات اعلام شده است که انتخابات در محیطی آزاد و بدون راز و مکر انجام خواهد گرفت، دیر و زود امروز میلیون‌ها رأی‌دهنده در انتخابات خواهند شرکت. این امر آشکارا ناقض دستورات آنشورا در مورد محیط آزاد فعالیت و تبلیغ برای نامزدان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و نیز تجاوز صریح به حق آزادانه افراد، سازمانها و احزاب برای فعالیت انتخاباتی است. از شما تقاضا داریم که اقدامات لازم برای تامین این حق بدیهی انجام داده، شرایط لازم برای فعالیت آزاد نامزدان انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی را فراهم نمائید.  
**با احترام**  
دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۸/۵/۸

## پوستر پاره کن‌های حرفه‌ای

گزارشی را که دوستی برای «مردم» فرستاده، عیناً در زیر چاپ میکنیم:  
«صبح امروز دوشنبه ۹ مرداد، در مسیر همیشگی خود، در خیابان نادری سابق تا میدان مخبرالدوله سابق در دقایق میان ساعت ۷/۵ تا ۸ صبح، بسوی محل کارم می‌رفتم. دو صحنه شرم‌آور و شوم، اما در عین حال امیدوارکننده، مرا بر آن داشت تا این دو واقعه را، آنطور که شاهدش بودم، برایتان بنویسم.  
واقعه اول: مربوط به پیاده روی پشت دیوار سفارت انگلیس در خیابان نادری بود. امروز به چشم خود به ما همیت «پوستر پاره کن‌های حرفه‌ای» پی بردم. به من و به عده‌ای دیگر ثابت شد، اینها که با سماجت و وقاحتی عجیب، پوسترهای افشاگر و متفرقی را پاره میکنند، کیانند؟  
درست همان ساعتی که مردم بسه سرکارشان می‌روند و خیا بانها، مخصوصاً در مسیر من، به علت تراکم شغل و حرفه، شلوغ و پر ازدحام است، چشم به جمال سه نفر از اینان روشن شد. دو نفر پای دیوار ایستاده بودند و سومی بردوش آنها، با جاقو، پوستر نامزدهای انتخاباتی حزب توده ایران را پاره می‌کرد، باجه تلاشی انگار کوه میکند! رهگذرانی که می‌گذشتند، با سکوتی معترضی به عملیات محیر العقول این جانوران دویا نگاه میکردند! چون ظاهرأ سر و وضع حضرات، واقعا ترسناک بود و نشان میداد که از هیچ چیز باکی ندارند! مخصوصاً که اصرار داشتند جاقوهای پست و پهن و تیزشان به هر ترتیب توی چشمها بزنند! اما رهگذری که مرد میان-سالی بود، سکوت را شکست و به صدای بلند گفت: «ساوا کیهام دست به همین کار می‌زنند.»  
آنکه پوستر را با جاقو پاره پاره می‌کرد، به کارش خاتمه داد و بایک خین «ظفر مندانه» پائین برید و در حالیکه جاقوی ضامن‌دارش را به نحو تهدید آمیزی بطرف مردم گرفته بود، با چند فحش مستهجن که لظافتش عام را شامل می‌شد، عریضه کشید که: «نمی‌ذاریم توده‌ایها سر بلن کتن!»  
واقعه دوم، چند قدم بالاتر، نزدیک میدان مخبرالدوله سابق يك جوان موتور سوار، ایضا با سر و روی هولناک، بسا يك ویراژ به پیاده روی زد، موتورش را به دیوار تکیه داد، به روی موتور رفت و با کارد دسته پهن بزرگی، به جان پوستر انتخاباتی حزب توده ایران افتاد، که دیگر طاقت نیاورد، جلورفتم و گفتم: «برادر اینکه راه مبارزه نیست!»  
اگر اینها مورد قبول تونستند، می‌توانی عکس یا پوستر دیگری، در کنار همین پوستر بچسبانی، نه اینکه...» که نگذاشت حرفم تمام شود. بالحنی دراز نزاکت و بهوضعی تهدید کننده سینه جلو داد که: «چیچه چی میگی؟» که دیگر مردم جمع شد و هر کس به اعتراض چیزی می‌گفت. از آن میان صدای روزنامه فروش پیر و زحمتکش کنار خیا بان، خطاب به پوستر پاره کن از همه رساتر بود که: «تکنیک، آلت دست نشوید، اون سالها هم کسانی مثل تو دانسته و ندانسته مملکت رو به هرج و مرج کشوندن دیدیم که چه بسرمان اومد و سی سال این مملکتو مثل قبرستون کردن» و در حالی که صدایش از گره بنی ناخواست در درگاه شده بود و به عکس‌های روی پوستر پاره پاره شده حزب توده ایران، به دیوار اشاره می‌کرد، فریاد زد:  
«من سی ساله اینارو می‌شناسم، اینها نه پسر عمه‌ی منند، نه قوم و خویشم، شاه با اون همه توپ و تفنگ، نتونست، چهره اینارو از مردم پنهان کنه، حالا تو با این پندره جاقوی خوی چیرو از مردم پنهان

**حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد**

دارنده شناسنامه شماره ۲۰۴ صادره از نیف اشرف، فرزند مرحوم آیت‌الله الحاج بحر العلوم (رشتی) شغل مهندس معمار، حدود بیست سالست در مشاغل مختلف دولتی خدمت کرده‌ام. پس از انقلاب ملت ایران، بحکم وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، بمدیریت عمران شهر و مسکن این سازمان منصوب و اشتغال دارم. بجهت تشابه اسمی برای رفع هرگونه شبهه و ابهام باین مختصر اکتفا گردید. با تقدیم احترام

مهندس سید مرتضی موسوی  
۵۸/۵/۷

**نامه زیرین به مردم رسیده است:**  
**جریده محترم مردم**

احتراماً، در شماره ۴۵، روز، شنبه ۵۸/۵/۶، در صفحه ۹ تحت عنوان «ماهور ساواک و عضو کمیته سفارت آمریکا» مرقوم کنی! «که دیگر حسابی مردم جمع شده بودند و جوانک موتور سوار را دوره کرده بودند و قهرمان ضد توده‌ای» هم بایکشت الفاظ کجک لایق خودش به حساب حزب توده ایران می‌رسید. در حالیکه همین چند دقیقه، صحنه‌ای را پدید آورده بود که مردم ساده‌کوپه و خیا بان، به راحتی قضاوت کنند، چه قماش موجوداتی پوستر احزاب و گروه‌های متفرقی را پاره می‌کنند و در مقابل چه کسانی واقعا مدافع حزب طراز نوین طبقه کارگرند.»

## قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود



### سخنی درباره شناخت جامعه ایران (۳)

# برخی مشخصات فرهنگ در تاریخ کشور ما

از: احسان طبری

از جهت دوره بندی تاریخ باید گفت که فرهنگ مادی و معنوی (کولتور) بسیار کهنسال کشور ما، مراحل گونه گونی را گذرانده است. میتوان آنرا به ما قبل آریائی و پس از آمدن آریاها به فلات ایران تقسیم کرد. فرهنگ دوران پس از آمدن آریاها به فلات ایران نیز معمولاً به قبل و بعد از اسلام، و فرهنگ پیش از اسلام، به فرهنگ هخامنشی، دوران سلوکی، دوران اشکانی، دوران ساسانی تقسیم پذیر است. دوران پس از اسلام را معمولاً بدوران قبل و پس از ایلخار مغول تقسیم میکنند.

در دوران قبل از مغول نوزائی یا «رنسانس شرق» را (که قرنها چهارم تا هفتم را دربرمیگیرد) برجسته میکنند. در دوران پس از مغول، فرهنگ دوران صفوی و دوران قاجار قابل ذکر است. انقلاب مشروطیت ما را وارد عصر نومی از تکامل فرهنگ کرد و مهر و نشان سرمایه داری و نیز تأثیرات نواستعماری را با خود دارد. انقلاب اخیر ایران میتواند در این امریک تحول کیفی ایجاد کند. باید دید، بدینسان فرهنگ ایران سرگذشت دراز و متنوع، فراز و نشیبها، جلوه ها و خاموشی ها داشته و از اجزاء مهم فرهنگ جهانی بوده است.

فرهنگ مادی و معنوی ما، طی همه این ادوار، «رنک» خاصی داشته که به **مشخصات اقلیمی** سرزمین، بدرجه تکامل جامعه و به کیفیت **نظام اجتماعی حاکم**، بتأثیر فرهنگهای دیگران، به تجلی **مختصات ویژه روانی و فکری خلق های ایران** بستگی دارد.

این فرهنگ بطور کلی و علیرغم افت و خیزها، یک مسیر اعتلایی و استکمالی را طی کرده و دم بدم پرنیج تر و پراجز تر شده است و این امر علیرغم آنرا کودنسی است که قرنها موجب تصلب همه یا برخی از اعضا هم و رئیس آن شده است. برای فرهنگ ایران چه خاصی میتوان شمرد؟

۱- نخستین خصیصه فرهنگ ایران (اعم از مادی و معنوی) جنبه **توگویی** (سنکرتیک) آنست. هیچ مردمی فرهنگ خالص و ناب ابداع شده خود را ندارند و فرهنگ ایران نیز بطریق اولی خالص نیست. میگوییم بطریق اولی، زیرا در فلات ایران خلقهای مختلفی بسر میبرند. و سخن از نژاد ناب، زبان سره، و ویژگیهای روانی ایرانیان و امثال آنها، فاقد علمیت است.

ما باید در مورد نقش خلقهای ساکن فلات ایران و دیگر خلق های ایرانی (مانند افغانها، تاجیک ها، کردها)، و نیز خلقهای غیر ایرانی همسایه ما در باستان زمان و در ادوار مختلف تاریخ و اقوام ترک و سامی، هندی و چینی، در فرهنگ ما، بهیچگونه برتری جوئی، انحصار طلبی، ناسپاسی، و از گون سازی حقایق، نام زد و تمیز ذهنی و اقیامیات تاریخی راه ندهیم. روند های تاریخ را چنانکه هست باید پذیرفت. مثلاً در یکی از رشته های فرهنگ معنوی ما (شعر) اسامی کسانی مانند رودکی سمرقندی، مولوی رومی، حسن غزنوی، کمال خجندی، امیر خسرو دهلوی، نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی، سعدی سلمان لاهوری و غیره در کنار هم قرار میگیرند.

ما حق داریم آنها را وارد فرهنگ شعری خود سازیم، زیرا به شیوه یارسیها شعر سروده اند. ولی حق نداریم که سهم خلق های دیگر را درباره آنها در پرده گذاریم یا مورد انکار و معاجزه قرار دهیم. زیرا زبان پارسی خصلت بین المللی داشته و فرهنگ شعری پارسی از حجم و بعد ایرانی خود فراتر میرود.

۲- یکی دیگر از مشخصات فرهنگی ایران **نقش مهم جهانی** آنست. این فرهنگ از جهت معماری، موسیقی، طبخ، پارچه بافی، فرش، مینیاتور، پزشکی، علوم دینی، زبان، شعر، فلسفه، کشاورزی، دام پروری، در محیط وسیعی از آسیا و حتی اروپا اثرات بسیار گذاشته و رد پای آن به عیان همه جا دیده میشود.

ما هم از جهان گرفته ایم و هم به جهان داده ایم، چنانکه برخی فرهنگ شناسان بزرگ اروپائی نقش ما را در دوران نوزائی یا «رنسانس شرق» (قرن ۴-۷ هجری) برابر نقش یونانیان باستان می شمردند. در تعیین حدود این نقش، باید مانند برخی محققان افراطی ما دست به اغراق نزد ایران را «مرکز کره» نگرفت. ولی مانند برخی خود شکنان و خود کوبان روانیست راه پیونده فرهنگ ایران را تقلید صرف از دیگران شمرد و خود بودگی و نوآوری فرهنگ ایران را در پرده نهاد.

این واقعیتی است که ما دارای استعداد گوارش و بازسازی فرهنگهای اخذ شده بوده ایم، دارای استعداد آفرینش عرصه های بدیع فرهنگ بوده ایم. جوشندگی خلاقیت در طبیعت خلقهای سرزمین ما گاه مایه تجسین است. شادروان دهخدا، در اشاره به بیرونی، از شدت عمل ایرانی سخن میگوید. سخت کوشی فرهنگ آفرین در واقع در تاریخ ما نظر گیر است.

۳- یکی دیگر از مشخصات فرهنگ ما نازائی نوزائی، آنست، یعنی این نوزائی نتوانست دوام یابد و بشمر بنشیند. «رنسانس شرق»، که غولانی مانند رازی، ابن سینا، ابوریحان، قزلباشی، طبری مورخ، فردوسی، رودکی، بهیقی، عروضی، خیام، ناصر خسرو، مسعود سعدی، نظام الملک، بهمنیار، غیاث الدین جمشید، فرخی، مولوی، نظامی، سعدی، حافظ و دهها نام درخشان دیگر در متنوع ترین عرصه ها داده است، بعدها نتوانست با همان خلاقیت بکار خود ادامه دهد؛ علت چیست، ایلخار مغول؟ شرایط اقلیمی و جغرافیائی؛ مشخصات روحی ویژه ایرانیان؛ استبداد شرقی؛ همه آنها؟

آنچه مسلم است، «رنسانس شرق» پس از جنگهای صلیبی در غرب اثر گذاشت و زمینه مساعد برای رشد یافت و «عصر نو» را پدید آورد و به تمدن صنعتی معاصر رسید، ولی نزد ما فروخشکید و حتی روبه تدنی رفت.

روشن است که چنین حادثه ای دارای علت یکجانبه نیست و علل آن گوناگون است. ایلخار اقوام مهاجم و تضاد دائمی ساکن و کوچنده در داخل، به همراه دشواریهای اقلیمی، مسلمانان زعل مهم است، ولی از علل منحصر نیست. درخش مجدد این تمدن در بهترین دوران صفوی، بعلمت رویارویی آن با سیر تکاملی سریع غرب، درخش دیررس بود و آنهم سترون ماند.

اکنون که ایران پس از دیری رکود، وارد شط همه گیر تکامل فرهنگی جهانی میشود، اگر راه تکامل اجتماعی خود را بدرستی بیابد، قادر خواهد بود از سازندگان مستعد این فرهنگ شود، زیرا دارای ذخیره تاریخی مهمی است. ما در نیمه قرن نوزدهم به این فراگیری فرهنگی روی می آوریم، ولی ترمز استعمار و استبداد مانع شد که پس از بیش از یکسده کم رست کنیم و هنوز در مراحل ابتدائی هستیم.

۴- برخی مورخان و جامعه شناسان دوست دارند از نوعی ویژگیهای خاص روح ایرانی، که گویا روشنگر دیگر گونیهای فرهنگ ماست سخن گویند. مثلاً اینکه ما ایرانیان گویا ذاتاً مقلدیم، شتاب زده ایم، سطحی هستیم، راحت طلبیم، یا برعکس، به پندار و وطن پرستان افراطی، ما از نبوغ خاصی بهره وریم، قدرت دمسازگری داریم، معده نیرومند ما همه چیز را از خود میسازد و غیره و غیره. ای چه بسا میشود که حوادث تاریخ کشور ما را با اشاره به این «مختصات روحی» توضیح میدهند.

سخن از وجود **مختصات عمومی روانی** برای یک قوم، سخن یاوه نیست. وحدت شرایط جغرافیائی و اقلیمی، شرکت در حوادث تاریخی، وحدت سنن مذهبی و اخلاقی و زبان (که خود نه تنها افزار فکر، بلکه مؤثر در شیوه تفکر است) و غیره و غیره میتواند برای مدتی **مختصاتی همانند ایجاد کند**. میتوان این مختصات روحی مشترک را شناخت (کاری که دشوار است و علمیت آن غالباً مشکوک) و میتوان نقش آنها را در نظر گرفت، ولی با آنها نباید اولویت داد، به آنها نباید پزیرها داد، به آنها نباید مطلقیت بخشید.

اولویت در تملیل پدیده های اجتماعی، با ساخت و نظام اجتماعی - طبقاتی و درجه رشد نیروهای مولده است. حوادث مشخص تاریخی و گسست و پیوست تمدن ها و خلقها، بر اساس این زمینه، مهر و نشان خود را میگذارد. «مختصات روحی» نیز البته در این زمینه جای مییابد. والا تصور قومی همانند همگون و یکدست با روحیاتی تغییر ناپذیر، که گویا طی تاریخ موافق آن کنش و واکنش کرده است، تصور نادرستی است. شاید کسی مطلب را باین درجه مطرح نکند، ولی حتی طرح مسائل در درجات محتاط تری از این دیدگاه، قابل اعتماد علمی نیست.

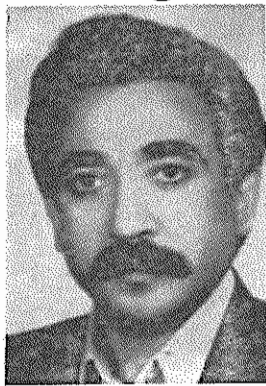
۵- در فرهنگ ما، زبان فارسی جای مهمی دارد، مانند فرانسه در قرون وسطی و جدید، فارسی پس از اسلام، در عرصه ای از هند تا روم (ترکیه) زبان ادبی بود. در کنار عربی، که زبان علمی و دینی بود، این زبان نقش پیوند دهنده عجیبی ایفا کرد و به همین جهت گلستان سعدی و غزل حافظ را در یک بهنه بسیار وسیع مدنی قابل درک و استفاده میکند.

امروز زبان فارسی از این دامنه تأثیر محروم است و حتی در فلات ایران بازایش و اوج گیری زبانهای دیگر، مانند آذربایجانی، ترکمنی، کردی، بلوچی و غیره روبروست. فرانسه نیز در اروپا همین سرنوشت را داشت، ولسی توانست بعلم سیاسی و فرهنگی زبان بین المللی باقی بماند. برای فارسی چنین شانس نیست، ولی فارسی با برخی تفاوتها، صرف و نحو و لغوی، زبان مشترک رسمی سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان است و از این بابت برای این زبان آینده ای میتوان فرض کرد.

**آینده فارسی بسته است به آینده نظام اجتماعی در ایران.** اگر ایران واقعاً در شاهراه استقلال و دمکراسی، ترقی اقتصادی و فرهنگی گام گذارد، فارسی باریک بخت آنرا خواهد داشت که به یکی از زبانهای مهم منطقه بدل شود.

۶- ما حق داریم به جلوه های عالی فرهنگ مادی و معنوی خود بیاییم. ولی تنها بالیدن کافی نیست. باید عناصر زیا، زایا و پایا را از این فرهنگ گرفت و آنرا در پیوند با فرهنگ غنی و عظیم امروزی جهان بچلو راند. در دوران پهلوی بیشک تکامل یافت اجتماعی با سرعت نسبی ادامه یافت، ولی سیاست سلسله پهلوی در این زمینه موج، ناپیکر و گاه ویرانگر بود. باید دید کسبه این عناصر زیا و پایا و پایا در فرهنگ ما کما کما؛ باید دید که چگونه باید فرهنگ ایران را با فرهنگ امروزی پیوند داد؛ باید دید که فرهنگ امروزی را چگونه باید در پیوند با فرهنگ ما بچلو گرفت، چه چیز «غرب زدگی» است و چه چیز «شرق زدگی» (که از اولی ابدأ بهتر نیست)؟ سرانجام، سیاست فرهنگی ما کدام است؟ اینها مسائلی است که دیری است طرح شده، و درباره آنها سخن و گاه سخن ارزنده کم نگفته اند. ولی هنوز مسئله در انتظار حل منطقی است و آن حل منطقی بنوبه خود در انتظار اقدام پیگیر و عملی

## رفیق آصف رزم دیده، نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان از صدای جمهوری اسلامی ایران با مردم ایران سخن گفت



در روز یکشنبه ۷ مرداد ماه ساعت ۳ بعد از ظهر، رفیق آصف رزم دیده، کارگر مبارز، پرورده مکتب طبقه کارگر و حزبی، نامزد حزب توده ایران برای مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی از صدای جمهوری اسلامی ایران، با مردم ایران سخن گفت. وی چنین آغاز سخن نمود:

رفیق آصف رزم دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

اهمیت این مسائل آشناست. رفیق آصف رزم دیده نامزد حزب ما برای انتخابات تهران، سپس در باره حق خود مختاری خلقهای ایران در چارچوب وحدت ملی، با حفظ اکیداستقلال و تمامیت ارضی ایران، صحبت کرد و لزوم آزادی آموزش بزبان مادری و حل مسائل اقتصادی و فرهنگی و اداری خلقها و همچنین تشکیل شوراهای محلی در واحدهای ملی را گوشزد نمود که در قانون اساسی باید بدقت این امور ذکر شود.

رفیق رزم دیده سپس به مسئله آزادیهای دمکراتیک و شیوه انتخاب نمایندگان در مجلس و در شوراهای توجه کرد و آنگاه اهمیت سیاست خارجی را خاطر نشان ساخت و اصول عقیدتی یک سیاست خارجی مستقل و غیر متعهد و صلحجویانه را که، باید در قانون اساسی ذکر گردد، بر شمرد. کاندیدای حزب ما

«سلام بر هموطنان عزیز! برای اینجانب آصف رزم دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مایه بسی خرسندی است که اینک امکان آنرا یافته ام تا از صدای جمهوری اسلامی ایران، شمه ای از نظریات و اندیشه های حزب خود را در بساره قانون اساسی بسامع خواهران و برادران میهن خود برسانم.»

رفیق آصف رزم دیده باره نامزدهای حزب توده ایران برای شرکت در انتخابات مجلس بررسی، که همگی دارای پشتوانه افتخار آمیزی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، دفاع از استقلال و آزادی هستند، سخن گفت، بسابقه پیکار آنها و صداقت و پایداری آنها اشاره کرد و بسویژه باین مسئله پرداخت که، نامزدهای حزب از چه اصولی در زمینه قانون اساسی پشتیبانی میکنند. وی نظریات حزب را در باره نظام اقتصادی آینده که باید در قانون اساسی تسجیل شود، و سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی آن تشریح کرد.

رفیق آصف رزم دیده، که خود در میان کارگران موسسات برق بزرگ شده و با دردمندگیشان آشناست، درباره حق کار برای هر یک از افراد کشور و وظیفه دولت در جمهوری اسلامی ایران، در زمینه ایجاد شرایطی که برشالوده آن تمامی مردم بتوانند بشغل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و همچنین در باره حق تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای برای کلیه کارگران و زحمتکشانشان شهر و ده صحبت کرد.

رفیق رزم دیده، که همچنان در تماس دائمی با محیط کارگری جامعه ما و مسائل کارگری کشور است، بسویژه به حسد و

### از کمک دوستان و رفقا سپاسگزاریم

دارا از کرک	۱۰۰۰ ریال
جمالی (یک خانواده هوادار حزب)	۲۷۵۰ ریال
یک هوادار حزب در کمرک	۵۰۰۰۰ ریال
مریم ملدانی (برای حزب روزبه)	۵۰۰۰ ریال
راما سنندجی	۱۰۰۰ ریال
ا.ع	۷۰۰۰ ریال
رضا	یک دستگاه ماشین تحریر
هواداران حزب در کار و روجه (آلمان فدرال)	۵۹۰ مارک آلمان فدرال

# وحدت عمل در برابر ضدانقلاب

## آنچه ورد زبان همه است و در عمل خلاف آن دیده می شود

### باز هم فشار به دهقانان از طرف خوانین

در اکثر روستاهای منطقه سرحد، اطراف یادنا، بیشتر فئودالها و سران عشایر به آزار و اذیت دهقانان پرداخته و با تهدید آنها را مجبور میکنند که نیمی از زمینهای را که در جریان اصلاحات ارضی به دهقانان رسیده، به فئودالها بازگردانند. به همین خاطر بعضی از کشاورزان مجبور به ترک ده شده اند، چون مقدار ناچیز زمین باقیمانده کفاف زندگی بخور و نمیر آنها را نمی دهد.

فئودالها همچنین به آتش اختلاف در بین دهقانان دامن زده آنها را بر ضد یکدیگر تحریک می کنند. گزارشگری که این خیر را فرستاده اضافه میکند که مالکان بزرگ که آشکارا عمل ضد انقلابی انجام میدهند، برای اینکه دهقانان را نسبت به انقلاب دلزد سازند، چنین شایع کرده اند که دولت کنونی میخواهد همه زمینهای اربابها را، که در اصلاحات ارضی تقسیم شده، به صاحبان قبلی بازگرداند. بگفته یکی از دهقانان این منطقه بنام علی با باهرادی-حسین خان زکی پور یکی از این گونه فئودالهاست. اولین پاسخ شایسته باین گونه اقدامات ضد انقلابی آنست که رسماً و هر چه زودتر اعلام شود که دولت همه زمینها را از آن خود دهقانان و کل محصول را مال خود دهقانان میداند. باید هر چه سریعتر اعلام شود که دیگر زمان سلطه و غارت مالکین بزرگ و خوانین گذشته، تا خواب بازگشت زمینها را نبینند و بدانند که دولت جمهوری اسلامی ایران زمین را مال خود دهقانان میداند و بقیه زمینها را که مستثنی شده و در دست مالکان مانده، به دهقانان زحمتکش بسی زمین و خوش نشین های خواستار کشاورزی خواهد داد.

### بیکاری کارگران آزاد ساختمانی شیواز

هر روز از ساعت ۶ صبح حدود ۵۰۰ کارگر ساختمانی، به دروازه کازرون ۵۰۰ نفر به دروازه اصفهان و شیراز میروند تا صاحب کاران آنها را بر سر کار ببرند. این کارگران اکثراً کارگر ساده و فاقد تخصصی اند. در دروازه کازرون شیراز، از اولین ساعت های سپیده تا ساعت ۱۰/۵ صبح، همچنان محل رفت و آمد کارگران است. این کارگران بطور عمده کشاورزانی هستند که با فصل کار کشاورزیشان تمام شده و با کشت و کار در بقیه اعضاء خانواده سپرده و برای کار به شیراز آمده اند. همه روز به باشتنا تعداد کمی از این کارگران، بقیه که گاه تا ساعت ۹ صبح منتظر می ایستند، بیکار میمانند. اگر کاری پیدا شود، روزی ۵۰ تا ۶۰ تومان مزد میگیرند. یکی از کارگران دروازه

عستید، بدمیکنید و زیان میرسانید، زیرا شیوه های نفاق افکنانه فقط و فقط بسود دشمن مشترک شما و ما تمام میشود.

شما گمان میکنید دشمنان رنکارنکی که اینک دارند در مقابل انقلاب صفوف خود را مرتب میکنند و با برنامه مشخص دارند ضد انقلاب را تقویت میکنند، همه یک دست و همه دارای منافع مشترک اند؛ خیر با کمال تأسف باید گفت که دشمنان انقلاب، با همه بیخبری خود، در این زمینه خاص، خود را در انداخته اند. نشان میدهند و در حال حاضر متوجه شده اند که در ماوراء هر گونه اختلاف نظری، باید در مقابل انقلاب دست بدمت هم بدهند و در یک صف واحد قرار گیرند.

چرا نیروهای انقلابی این درس را از دشمنان فرا نگیرند؟ چرا برخی نیروهای انقلابی هر گونه پیشنهاد مشخصی را برای وحدت عمل، لااقل در یک زمینه واحد، در زمینه مقابله با ضد انقلاب رد میکنند، نادیده میگیرند و با باشوهر بر جنجال، افترا و دشنام با آن برخورد میکنند؛ مسئول اینک تاکنون همه فریادهای «وحدت»، «وحدت» فقط در صفحات کاغذ محدود مسانده و به هیچ نتیجه عملی نرسیده، کی هستند؛ آیا آنها که در این راه سنگ می اندازند، بمسئولیت خطیر خود واقفند؛ آید میدانند که خواه ناخواه درجه راهی روانند و آب در آسیاب کیها میریزند؟

دوستان! همانطور که تصریح شد، ما نه خود چنین قصدی داریم که از مواضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود عدول کنیم و نه از دیگر نیروهای انقلابی، که نظریاتی مخالف در این زمینهها دارند، چنین انتظاری داریم. اما جداً معتقدیم که همه ما میتوانیم، با حفظ مواضع ایدئولوژیک خود، در یک زمینه با هم مشترکاً عمل کنیم. در زمینه مقابله مؤثر و موقیبت آمیز با ضد انقلاب. ما معتقدیم که در ماوراء مواضع ایدئولوژیک، میتوانیم در یک گردهم آئی، برنامه عمل مشترکی برای بز نور آوردن و ریشه کن کردن ضد انقلاب طرح و بر اساس آن مشترکاً عمل کنیم تا دوران گذاری را که در پیش روی ما است، با پیروزی بی پایان برسانیم. شما چه فکر میکنید؟

برض دشمن مشترک، مبارزه برای خواستهای مشترک است.

اختلافات هم در محیط بحث های سالم و عاری از جنجال و هیاهو و تهمت زنی های تفرقه افکن میتواند و باید عرضه شود. اما این اختلاف نظرها در راه و روش آینده انقلاب نمیتواند و نباید جلو وحدت عمل در برابر دشمن مشترک را بگیرد.

در اینکه در دوران نیروهای انقلابی درباره آینده انقلاب و راهی که انقلاب باید از آن بگذرد و به مرحله سازندگی قدم گذارد، اختلاف جدی وجود دارد، تردیدی نیست و وجود این اختلاف هم ناشی از موضع طبقاتی نیروهایی است که در یک مرحله معین، دست بدمت هم، بزرگترین سنگر، یعنی دستگاه سلطنتی را، که پایگاه ثابت امپریالیزم بود، بتصرف آورده اند. ولی اینجا حرف بر سر خطری است که با شکل گوناگون انقلاب را در اساس آن تهدید میکند و در برابر این خطر، تمام نیروهای انقلابی، علیرغم تمام اختلاف نظرها و اختلاف ایدئولوژیها میتوانند با طرح یک برنامه عمل مشترک و قابل قبول برای همه، انقلاب را از زیر ضربت دشمن خارج سازند و با سرکوب ضد انقلاب، زمینه مناسب تر و کار آتری برای عرضه کردن راه حل های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فراهم کنند، بدون اینکه لازم شود هر یک از این نیروها موضع خود را ترک گویند.

ضرورت تاریخی این چنین وحدت عمل در برابر تو وحدت یک برنامه عمل، حداقل برای مقابله با ضد انقلاب، بارها و بارها از طرف حزب مائو و بیامین گذاشته شده است. تاکنون بارها از طرف حزب مائو پیشنهادهای مشخصی برای این کار ارائه شده است. ولی بسیاری از احزاب و گروههایی که پیوسته از لزوم وحدت دم میزنند، در قبال تمام این پیشنهادها یا مهر سکوت بر لب زده اند و یا تحت تأثیر پیشداوریهای زیان انگیز و تحمیلی، به ایسین پیشنهادها باد شنام و ناسزا و افترا و تکرار بهتانهایی که تاکنون بعد ابتدال تکرار شده، پاسخ گفته اند.

حرف ما با این گروهها، که اگر ایدئولوژیست و صادق و صمیمی نسبت با انقلاب در بین آنها فراوان است، اینست که، دوستان! شما با ادعاه این روش نه تنها بجا، بلکه بیش از آن بهمین انقلابی که بسان مؤمن

ضد انقلاب سر بلند کرده، و بر اساس برنامه عملی محاسبه شده ای هم سر بلند کرده است و انقلاب ما را بطور جدی و نرسری تهدید میکند. این تهدید تا آن حد دامنه دارد که اگر بموقیبت، حتی بموقیبت نسبی هم بینجامد، نتایج زیان بخش آن دامن همه نیروهای راستین انقلاب را خواهد گرفت و این نه تهدیدی است خرد. مارزخم خورده ده بار خطرناکتر است و ده بار با خشم و کینه ای بیشتری حمله میکند. خشم و کینه و انتقامی که نمونه آنرا در مدت بیست و پنج سال دوران قدر قدرتی محمد رضا، با ساواک و دیگر دستگاه های شکنجه و عذاب و کشتار، با مصادف و با سیایش بخود دیدیم.

سرکوب ضد انقلاب، علیرغم همه شیوه های جهنمی اش، از ترور و تهدید و از عذاب گرفته تا تلاش برای بجان هانداختن گروهها و خلعهای ساکن ایران، کاملاً امکان پذیر است. با وجود ضربتهایی که اینجا و آنجا و در پناه تاریکی شب از طرف ضد انقلاب وارد شده، اما نیروهای انقلابی هنوز بقدر کافی امکان در اختیار دارند که زمینه های هر گونه موقیبت ضد انقلاب را بکلی از بین ببرند و خنثی کنند و این امکان قبل از هر چیز در تجمع نیروها، در وحدت عمل آنها، لااقل در آن حد که بمبارزه جدی با ضد انقلاب مربوط است، میتواند متجلی شود.

لزوم این همکاری، این وحدت عمل در مقابله با دشمن کما بیش در همه جا و از طرف بسیاری از گروه های سیاسی بیامین گذارده میشود؛ ولی آنچه در یک نوع حالت معماری شبه انگیز نمود میگرد آنست که هر قدر فریاد اتحاد بلندتر شنیده میشود، بهمین اندازه از طرف برخی داعیان وحدت، بیشتر سنگ بر سر راه آن افکنده میشود، چنانکه نیروهای انقلابی، امروز بیشتر از دیروز از هم دور شده اند و ضد انقلاب نیز با خوشحالی این پدیده را مینگرد و خود نیز تا آن حد که میتواند، میکوشد تا بروست این فاصله بیفزاید.

وقتی درباره لزوم وحدت عمل در برابر ضد انقلاب صحبت می آید، اساساً حرف بر سر وحدت ایدئولوژیک، یا ترک این و یا آن اندیشه اقتصادی و اجتماعی و یا تسلیم شدن بیک ایدئولوژی واحد نیست، بلکه سخن بر سر وحدت عمل بر اساس مبارزه

## اخبار کارگری

### قطعنامه کارگران شرکت سیام سنج

اگر به ما کارگران اسفالت کار که با قیر و نفت سروکار داریم، نگاه کنید، از قیافه های رنج کشیده و لباسهای قیری و سیاهمان به کار سخت و طاقت فرسای ما می توان پی برد. گرچه سختی کار، زمستان و تابستان نمی پرسد، اما حالا گرمی هوا مشکلات ما را دو برابر میکند. در پای بشکته های ذوب قیر از سر و رویمان عرق می ریزد. در مقابل، دم زدن از حق و حقوق یا اعمال شده مان گناه محسوب میشود. ما کارگران شرکت سیام وقتی خواستهای خودمان را با مسئولین شرکت در میان گذاشتیم، اصلاحیه به ابرو نیاوردند و اینطور وانمود کردند که کار شرکت روبه اتمام است و اگر ما بیکاری کنیم شرکت را می خوابانند. بله، کار فرمایان، خوب بلدند کارگران را از بیکاری برسانند. بطور کلی این روش سرما به داران است که همیشه می خواهند کاری بکنند که کارگران محتاج کار فرمایان باشند.

فشار زندگی روز بروز بر کارگران بیشتر میشود و دولت به خواستهای آنان بی توجه است. ما به مسئولین شرکت می گوئیم که دخل کارهای آنها نمی تواند خواستهای ما را بی جواب بگذارد. شرکت مزبور وقتی ۶ سال پیش کارش را در سنج شروع کرد که فقط صاحب یک تراکتور بوده ما می پرسیم اگر شرکت سود نداشته و ندارد، پس این همه ماشین غلطک و کمپرسی و دستگاه های اسفالت، که در کارگاه شرکت موجودند، از کجا آمده اند؟ اینها که از زمین نروئیده اند، بلکه از سود شرکت که حاصل دسترنج ماست خریداری شده اند.

ما خواستهای خود را بشرح زیر اعلام میداریم و از مسئولین شرکت میخواهیم که هر چه زودتر خواستهای ما را بررسی کرده و جوابگوی این حداقل خواستهای ما باشند، در غیر اینصورت ما را مجبور خواهند کرد که به اقدامات دیگری که خود صلاح میدانیم دست بزنیم.

۱- حداقل دستمزد کارگر ساده ۶۰ تومان در مقابل ۸ ساعت کار و بهمین میزان به حقوق کارگران فنی اضافه شود.

### در سمینار رابط بین دولت و صنایع گفته شد: استفاده از کوره بلند در ایران اقتصادی تر است

سمینار رابط بین دولت و صنایع در دانشگاه علم و صنعت تشکیل شد. در این سمینار، دکتر حسن زاده، رابط کمیته آلیاژ و سنجش (متالورژی) درباره استفاده از کوره بلند در ذوب آهن سخن گفت و اعلام کرد که کوره بلند برای ذوب آهن در شرایط کنونی کشور به مراتب بر روش احیاء مستقیم ارجحیت دارد. او گفت: قطعات یدکی ماشینهای احیاء مستقیم انحصاراً توسط دو کشور ساخته میشود. در حالیکه تعداد زیادی از کشورهای دارای کوره بلند هستند و اگر کشوری قطعات یدکی آنها را به ما نفروخت، میتوانیم از کشور دیگری بخریم. از نظر اقتصادی هم قیمت تمام شده در روش احیاء مستقیم بسیار گرانتر از روش کوره بلند است.

رژیم شاه ۴ نوع کارخانه را برای استفاده از روش احیاء مستقیم باین خاطر در ایران بوجود آورد که استفاده از آهن اسفنجی در روش احیاء مستقیم در مرحله آزمایش بود و امپریالیست ها میخواهند با استفاده از انرژی و نیروی کار ایران این آزمایش را انجام دهند. در حال حاضر ذوب آهن اهواز مقدار زیادی آهن اسفنجی تولید میکند که همه آن انبار می شود. از طرف دیگر شاه مخلوع با شایع کردن این دروغ که سنگ معدن های ایران فسفوری است، شروع کرد به وارد کردن سنگ معدن احیا شده از هندوستان و باین ترتیب به این کشور باج داد تا در مقابل ادعاهای شاه مخلوع که میگفت قدرت اول منطقه است، سکوت کند.

- ۲- پرداخت حقوق مسکن، حق اولاد، هزینه خواروبار طبق قانون وزارت کار،
  - ۳- افزایش مرخصی سالانه بحدت یکماه،
  - ۴- تهیه دفترچه خدمات درمانی برای تمام کارگران و خانواده آنان،
  - ۵- لغو قرارداد تحمیلی سال جاری که بعضی از کارگران از روی فریب و نا آگاهی آنرا امضاء کرده اند،
  - ۶- تهیه سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران،
  - ۷- پرداخت مزایای عقب افتاده چند سال گذشته،
  - ۸- پرداخت حقوق در آخر هر ماه.
- نمایندگان کارگران شرکت سیام

### آیا کارخانه ارج

#### ملی خواهد شد یا نه؟

بعد از اعلام ملی شدن صنایع شادی عظیمی به کارگران کارخانه ارج دست داد همه خوشحال بودند، ولی این خوشحالی مدت زیادی طول نکشید، چون متوجه شدند که کارخانه ارج هنوز ملی نشده است و با شاید هم اصلاً ملی نشده. همه تعجب میکردند که در جایی که قرقه زیبا ملی شده، چرا ارج نه؟ سهام داران شرکت فرار کرده اند، درواستی آنها به رژیم گذشته و به امپریالیسم امریکایی شکی نیست، پس دولت چه خیالی دارد؟ نکند فقط قصد دارند که برای شرکت صاحب پیدا کنند و دوباره شرکت خصوصی باشد؟ عده زیادی از کارگران از این موضوع ناراحت اند و میگویند باید با وزارت کار و دولت تماس گرفت تا وضع ما را روشن کنند.

رفقا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند، Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm N: 0400 126 50 Dr. John Takman



# مردم و مردم

● سعیدم. ۱۳ ساله، در نامه خود نسبت به «حوادث اسفبار جمعه ۲۹ تیر ماه که منجر به مضروب شدن عده‌ای از انسانهای آگاه و فهیم شده، که هر یک از آنها در مکتب پسر افتخار حزب توده ایران درس انسانیت و مبارزه آموخته‌اند» ابراز تأسف نمود و مشاهدات خود را در این باب به نوشته و جمله کنندگان را «بهم زنده» نظم و افراد ضد انقلاب در زیر پوشش شعارهای بظاهر مذهبی، خواننده و سپس مینویسد: «از مسئولین امر سؤال میشود که چرا اجازه میدهند که این عده در لباس اسلام برای نابودی جمهوری اسلامی چنین وقیحانه رفتار کنند که باعث جدائی نیر و های خلقی شود.» سعید مینویسد: «اعمال آنان برخلاف دستورهای رهبر آگاه و ضد امپریالیستی ایران امام خمینی بوده و آب و آسیاب دشمنان و ضد انقلاب میریزد.» وی اظهار عقیده میکند که «دشمنان برهبری سیا و ساواک در لباس دوافراطی چپ و راست عمل میکنند.» وی در پایان اهمیت تشکیلاتی جنبه متحد خلق را خاطر نشان ساخته است.

● آقایان یاقانم بقا (؟) ضمن ابراز تمایل بهمکاری بیشتر و یادآوری اینکه در اجتماعات مختلف حزب شرکت کرده، مینویسد: «در مراسم یادبود شهدای ۳۰ تیر شاهد حمله و آتش بودم.» وی بشرح جریان، بخصوص نقش تحریک آمیز آشکار چند نفر از آنها میپردازد و جریانی شکست شیشه مینیوس را نوشته، اضافه میکند: «چند دختر خانم بنحانه‌ای پناه برده بودند. صاحبخانه جلوی مهاجمین را گرفت و میگفت در زمان شاه همین مردم از دست ساواکی‌ها و مزدوران شاه بنحانه‌های مردم پناه میبردند.» یکی از اوپاش که حتی کلمه کمونیست را نمیتوانست درست تلفظ کند، گفت: «اینها کمونس هستند!» صاحبخانه فریاد کشید: «همانوقت که شما در عرق فروشها بودید، اینها مبارزه میکردند، حالا برای ما مسلمان نما شده‌اید. اگر قرار باشد اینگونه افراد مثل شما را در بیچ مردم را بزنند، وای بحال ما.» بیچهای مسلح نیز جمع شدند و با شجاعت، که نمونه‌ای از وجدان انسانی و پاک بودن اهالی این محله کارگر نشین بود، اوپاش را روانه کردند.

● از این در نامه خود به همین مسئله اشاره دارد. منتهی در مورد مراسم کرج مینویسد: «عموماً شعارها ضد امریکائی بود. متأسفانه افراد ماجراجویی سعی کردند مردم را سردرگم کنند که ندانند دوست کیست و دشمن کدام. ولی یک روحانی مبارز فوراً متوجه شد و مانع انحراف جریانی شد.»

● بهزاد در نامه خود مینویسد: «تحریکات عوامل دولت چین بر ضد جمهوری نوپیدا خلق افغانستان موجب تأسف و حیرت است.» وی درباره شورویچیان مردم سراسر جهان در سال ۱۹۴۹ بهنگام پیروزی انقلاب چین مینویسد و اضافه میکند: «چگونه امروز عملاً دولتیان چین بیاری امپریالیزم امریکا شتافته‌اند و اینرا با هیچ معیاری نمیتوان توجیه کرد.» وی لزوم اتحاد همه نیروی مخالف با امپریالیسم را خاطر نشان میسازد.

● درباره مقاله مربوط به «طب‌ملی» عکس‌العملهای مثبت بسیاری دریافت کرده‌ام. دوست ما م. که از آن جمله است، ضمناً اضافه میکند که تحلیلی جامع بود و طرح عالی ولی جرارد ارائه آن تأخیر کردید؛ وی خواستار طرحهای مشابه در همه زمینه‌هاست که امیدواریم با کمک همه دست‌اندر کاران و متخصصان و با در نظر گرفتن کلیه جوانب و امکانات بطور علمی و دقیق تهیه شود و با حسن مسئولیت ارائه گردد. در این راه کوشش میکنیم.

● ضمناً «تجر به ۲۳ تیر» مربوط به دو حادثه تاریخی است، یکی در سال ۲۵ و دیگری در سال ۳۰ درباره ۲۳ تیر ۱۳۲۵ ما قبلاً نیز مطلب نوشته و توضیح داده بودیم، میتوانید به آن رجوع کنید.

● آقای حسین ع. نامه شما رسید. ارزیابی شما از «مردم» مشوق ماست. درباره ذوب آهن دوست ما متذکر میشود که رقم درست کارکنان در تمام هفت موسسه و معدن و کارخانه وابسته بیش از هفتاد هزار نفر است. آقای حسین ع. ضمن هشدار نسبت به خطر ساواکیها مینویسد: «سر لشکر مصطفی ابتهاج، باز پرس دادستانی، که از همکاران شکنجه‌گرانی چون زمانی و سیاحتگر و سالاری بود و در ضمن با اعمال فشار به اهالی صمغ آباد، از توابع قزوین، مسال و منال هنگفتی اندوخته، اکنون آزاد شده است.»

● آقای ح. ق. نامه شما رسید. مطلبی که راجع به اهمیت شرکت حزب توده ایران در روز تاریخی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نوشته بودید، کاملاً درست است. ولی ایراد شما در باره عدم شرکت حزب در مراسم یادبود میدان بهارستان کمی شتابزده است و با واقعیت تطبیق نمیکند. رفقا و هواداران ما هم در ۲۹ تیر بر سر مزار شهیدان حاضر بودند و هم درسی تیر

## چرا با ضد انقلاب مماشات میشود

بنابر گزارشی که از شهر کسرد رسیده، مدتی است که بعثت تمویضی در بی دوداستان انقلاب، تغییراتی در مورد خط مشی قضاوت‌های دادستانی شهر - کرد بوجود آمده، که نه در جهت انقلاب و نه مورد تأیید مردم محلی است، که این خود باعث بدبینی نسبت به اعمال مسئولین میگردد.

از جمله این اقدامات آزاد ساختن شخصی بنام فرج‌الله قاسمی از زندان است که یکی از یاران بسیار نزدیک و وفادار دکتر رئیسی، وکیل مجلس شورای ملی سابق و یکی از کسانی است که در روزهایی که از طرف رهبری انقلاب در دوران انقلاب اعلام عزای عمومی شده بود، او روستائیان را از اطراف به شهر گرد آورده و اقدام به جشن و پایکوبی کرده‌اند. آزاد ساختن این شخص امروز یک نوع دهن کجی به مردمی است که انقلاب

کرده و شهید داده‌اند. مورد دیگر آزاد ساختن کریم امینی، محترک معروف، و نصراله دهقان، سردسته جماعت بدستان در روزهای تظاهرات است. در گزارش واصله گفته میشود:

حال مسئله‌ای که مطرح است، اینست که آزادی این افراد، از آنجا که نفی قاطعیت در مقابل ضد انقلاب محسوب میشود، مردم این منطقه را بفرکر انداخته، آنها میپرسند: برآستی چرا اینچنین شده؟ چه کسانی هستند که در پشت پرده از این گونه افراد حمایت میکنند؟ در صورتی که عملکرد ضد انقلابی این عناصر هر روز در هر گوشه از کشور شدت می‌پذیرد.

مردم خواهان جواب دادن به این گونه سوالات و خواهان جلوگیری از هر گونه اقدام ضد انقلابی و مقابله قاطعانه با ضد انقلابیون هستند.

## بابل: چه کسانی با اتحاد خلق علیه امپریالیسم مخالفند؟

بمناسبت گرامیداشت ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بزرگداشت خاطره شهدای این روز تاریخی، اعضای کانون جوانان و دانش‌آموزان دموکرات بابل، یلاکارهای پارچه‌ای زیر را در محل‌های مختلف، در روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۴/۲۸ - گرامی یاد خاطر شهدای ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱، روز مبارزه متحد خلق علیه دسیسه امریعی امپریالیسم و ارتجاع (نصب شده در خیابان آمل - سردر محل بحر ارم)

۱- گرامی یاد خاطر شهدای ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱، روز مبارزه متحد خلق علیه دسیسه امریعی امپریالیسم و ارتجاع (نصب شده در خیابان آمل - سردر محل بحر ارم)

۲- با تشکیل جنبه متحد خلق علیه ضد امپریالیستی، تجر به خونین ۳۰ تیر ماه سال ۱۳۳۱ را پاس داریم (نصب شده در بازار - میدان شهدا)

در میدان بهارستان، در اینبار به گزارش «مردم - رجوع کنید، جرایم موسوم به کثیر الاثنا نیز خیر مر بوطه را نوشتند و حتی رادیوی ایران برای نخستین بار خبر را منتشر ساخت. شگفت است که شما باخبر نشده‌اید. موقتاً شمارا خواهانیم.

● هم‌اکنون، دو نامه شما رسید. پنجاه تومان کمک شما هم رسید. متشکریم. اتفاقاً به همین کمک‌هاست که ما متکی هستیم، نه تنها به میزان رقمش، بلکه همچنین به تمام شور و آمادگی که در پشت این کمک نهفته است. خوب نوشته‌اید که زندگی با مردم لذتبخش‌تر است و باید قطره‌ای بود و بدریا پیوست.

● دوست عزیز یحیی ق. مقصود از «گروهک»، تحقیر بآن معنایی که شما نوشته‌اید، نیست، بلکه بیان یک واقعیت از نظر کمی است. و از حزب یا سازمان حتی گروه معنایی خاصی را بندهن القاع نمیکنند، در حالیکه همه میدانیم و شما هم نوشته‌اید که خودتان واردید، عده‌ایکه با اندیشه‌های مائوئیستی در هم جمع شده‌اند، بسیار ناچیزند و حتی نمیتوان آنها را گروه نامید. در همه زبانها، نه برای تحقیر، بلکه برای بیان واقعیت موجود چنین عده انگشت شمار افراد را، یک «گروهک» مینامند. قصد دیگری در بین نیست.

● خسرو. در نامه خود در نزد تاریخ و طبقه تاریخ - سازما از حزب توده ایران سخن میگوید و آنرا حزب طراز نوین طبقه خود می‌نامد و مینویسد: «همیشه بیشترین ضربات و صدمات بزرگ را در درازا استقلال و آزادی متحمل شده است.» وی با شعارهای «زنده باد جنبه متحد خلق و همکامی با امپریالیسم امریکا» نامه خود را بی پایان میبرد و قطعه شعری هم اضافه میکند، زیر عنوان «تهمت»، با این ابیات «تهمت زنی/ حقیقت را دگرگون سازید / آخر / تصویر خورشید زندگی بخش / تصویر حزب رهگشای خلق / بردیدگان شب کورتان / چون تیر آرش است / از خدنگ پولادین / بر قلب دشمنان...»

## گورکبان، مفسر خبرگزاری شوروی نویسنده تفسیری زیر عنوان: تلاش‌های محکوم نوشته است. خلاصه تفسیر را در زیر میخوانید:

نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی بفعالیت تخریبی علیه انقلاب ایران ادامه میدهند. هر روز اخبار تازه‌ای پیرامون عملیات تروریستی، برانگیختن اختلاف و نفاق بین خلقها و اقدامات معطوف به از هم پاشیدن اقتصاد و تجزیه وحدت نیروهای انقلابی کشور مه‌رسد. طی دوران اخیر تلاش‌هایی بعمل می‌آید تا روابط سنتی حسن همجواری بین ایران و اتحاد شوروی بهم خورد و بازر سؤطن وعدم اعتماد مسموم شود. شایعات بکلی بی اساسی پخش میشود، از آنجمله این شایعه که گویا اتحاد شوروی پنهانی اسلحه با ایران وارد میکند و در پاره‌ای استانها اغتشاش راه می‌اندازد.

زندگی بین‌المللی تاکنون شواهد زیادی بدست داده که سخن پیرامون «دست مسکوم» هر بار موقی بمیان می‌آید که کشورهای امپریالیستی لازم می‌بینند فعالیت تخریبی خود را در این ویا آن منطقه جهان پرده‌پوشی کنند. در حال حاضر مداخله غرب در امور داخلی ایران بصورت یک پدیده عادی در آمده‌است. حقایق مربوط به تخریب مداخلاتی را اغلب رهبران ایران در اظهارات خود و بسیاری از چهره‌های کشور در مصنفات خود نقل میکنند. روزنامه‌ها، با استناد بمنابع غرب، تازگی اطلاع دادند که در ایران حدود ۱۰۰ کارمند سیا فعالیت میکنند و تعداد کل عمال امریکا حدود ۲ هزار نفر را تشکیل میدهد. آیت‌الله خمینی بکرات اظهار داشت که دولت‌های امپریالیستی و شبک‌های جاسوسی آنها در داخل کشور «از تلاش برای اعاده سلطه خود در ایران دست نمی‌کشند».

و اما در آنچه که مربوط به روابط شوروی - ایران است، باید گفت که خود تاریخ این روابط، بنحوی مقتنع، یاره های مخالفان دوستی دو کشور همجوار را تکذیب می‌کند.

حکومت شوروی از همان سالهای اول موجودیت خود، بد فاع از استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران برخاست. حکومت شوروی در نخستین اسناد سیاست خارجی خود «فرمان صلح» و بیانیه خطاب «به تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق» کلیه عهد نامه‌های سری حکومت تزاری، از آن جمله عهدنامه سال ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه درباره تقسیم ایران به مناطق نفوذ راملتی ساخت. در سال ۱۹۱۹، روسیه شوروی مجدداً امتناع خود را از رژیم کاپیتولاسیون و از امتیازات و برتری‌هایی که رژیم تزاری در ایران کسب کرده بود، اعلام داشت و تمام ثروت‌هایی را که در اراضی ایران تا انقلاب اکتبر، متعلق به سرمایه‌داران روس بود، بمردم ایران واگذار کرد.

قرارداد سال ۱۹۲۱، که ۲۶ فوریه آن سال در مسکو با امضا رسید، مبنایی برای همکاری و حسن همجواری شوروی و ایران شد. قرار داد، با شناسایی حق هر ملتی در تعیین آزاد و بلا مانع سر نوشت سیاسی خویش، اصول برابری حقوق طرفین و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر را اعلام داشت.

قرارداد سال ۱۹۲۱، امتناع روسیه شوروی را از تمام پیمان‌ها و موافقت نامه‌های نابرابری که امپراطوری روسیه با ایران تحمیل کرده بود و امتناع از جبران قرضه‌های تزاری را از لحاظ حقوقی تسهیل نمود. در قرارداد همچنین تصریح گردید که مؤسسات امتیاز داران و راه‌های شوسه و آهن و بانک استقراضی روسی، که متعلق به اتباع روسیه و دولت تزاری بود، بلا عوض با ایران واگذار میشود.

قراردادهای سیاسی که در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ بیسن دو کشور منعقد گردید، اولین قراردادهای متساوی‌الحقوق ایران با یک کشور اروپائی بود. این قراردادها به رژیم کاپیتولاسیون و موافقت نامه‌های اسارت‌باری که از طرف کشورهای سرمایه‌داری با ایران تحمیل شده بود، ضربه وارد ساخت و موقعیت بین‌المللی ایران را تحکیم بخشید. در سال‌های بعد، مناسبات دو کشور توسعه بیشتری یافت، بویژه در بخش روابط اقتصادی. در پرتو همکاری اتحاد شوروی، در ایران، رشته‌های صنعتی مدرن نظیر ذوب آهن، صنایع معادن، صنعت ذغال سنگ و لوله‌کشی گاز پدید آمد. اتحاد شوروی در توسعه صنایع ماشین سازی سنگین و انرژی برق و تربیت کادرهای ملی سهم معینی ادا نمود. جمعا با کمک اتحاد شوروی، در ایران ۱۴۷ موسسه واحد صنعتی ساخته شده و یاد دست ساختمان است.

در بین این موسسات بزرگتر از همه کارخانه ذوب آهن اصفهان است که قدرت تولیدی آن به ۵۵۰ هزار تن فولاد در سال می‌رسد. بر اساس گزارش شرکت ملی ذوب آهن، محصول این کارخانه امکان می‌دهد که هر سال ۲۰۰ میلیون در مصرف ارز کشور صرفه‌جویی شود. سابقاً این وجوه صرف خرید فلز سیاه از خارج میشد. زمین شناسان شوروی، علیرغم پیش‌بینی کارشناسان غرب، در ایران معادن بزرگ سنگ آهن کشف کردند.

حقایق یاد شده نشان میدهد که روابط شوروی و ایران همواره به مقاصد تحکیم حسن همجواری کمک نموده‌است. و این، تمام و کمال در مورد دوران اخیر نیز صدق می‌کند. در دوران حوادث انقلابی ایران، اتحاد شوروی مجدداً علیه مداخله محافل امپریالیستی در امور داخلی ایران برخاست و این عمل، تا حد قابل ملاحظه‌ای به عقیم ماندن نقشه‌های مداخله گرانه خارجی کمک نمود.

پس از سقوط رژیم ضد خلقی شاه، امکانات تازه‌ای برای توسعه و تعمیق بیشتر مناسبات بین دو کشور فراهم شد. در خاتمه تفسیر چنین میخوانیم: «تلاش در راه تیره کسردن مناسبات حسن همجواری بین اتحاد شوروی و ایران، که از طرف دشمنان داخلی و خارجی جمهوری نوپیدا اسلامی، برای پرده‌پوشی عملیات ضد انقلابی خود انجام می‌گیرد، نمیتواند بموقعیت منتهی شود. مردم ایران قادرند تشخیص دهند که کی دوست‌شان است و کی نیست.»

# استقبال پر شور زحمتکشان ایران از نامزدهای حزب توده ایران

آنجا رفیق ما ۳ نفر دیگر از رفقای ما را دید که در کمیته بودند. آنها هم بیست دقیقه قبل از این ماجرا، از همان ۲ ضاربی (بغیر از راننده تاکسی) که رفیق ما را در میدان آزادی زده بودند، در سه راه آذری کتک خورده بودند و برای شکایت به کمیته آمده بودند. معلوم بود که این افراد سازمان یافته با تاکسی به نقاط مختلف میروند و اعضاء و هواداران حزب ما را مضروب میکنند. رئیس کمیته بعد از شنیدن اظهارات رفقای ما، که میگفتند گروههای ضد انقلاب و ساواکی به فعالیت پرداخته اند تا اینطور نشان بدهند که آزادی برای انتخابات وجود ندارد، حرفهای آنها را تأیید کرد و به ضاربین گفت: «مگر شما نمیدانید که امام بارها گفته اند نباید مترش کسی بشوید. مخالفین هم بنا به گفته آیت الله طالقانی حق دارند در مجلس خبرگان نماینده داشته باشند.» رئیس کمیته بعد از جلب توافق ما، گواهینامه و مدارک شناسایی راننده تاکسی را نگه داشت و آنها را آزاد کرد.»

«ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر همین روز وقتی در نفر از رفقای ما سرگرم چسباندن اعلامیههای انتخاباتی در خیابان نیوران بودند، راننده یک پیکان و فردی که لباس کارگری پوشیده بود، به آنها حمله کردند و میخواستند اعلامیهها را پاره کنند. رفقای ما دست به افشگری زدند و مردم را متوجه کردند. آن دو فرد مشکوک با رسیدن مردم فرار کردند.»

«ساعت ۷ صبح همین روز، دو نفر به رفقای ما، که در سه راه آذری اعلامیه پخش میکردند، حمله کردند و با مشت و لگد به زدن آنها پرداختند. چند دقیقه بعد شخصی که لباس پاساژی بدون درجه پوشیده بود، به کمک آنها آمد. رفقای ما ضاربین را به کمیته محل بردند.»

«ساعت ۹ صبح همین روز، در نزدیکی کارخانه پارس الکتریک شخصی مشکوک که مانع چسباندن اعلامیههای انتخاباتی حزب ما شد، چند لحظه بعد ۲ نفر دیگر و یک اتومبیل سواری تویوتا به کمک او آمدند و اعلامیههایی را که رفقای ما چسبانده بودند، میکشیدند. یکی از آنها هم با حمله اعلامیهها را گرفت و گفت میخواهد آنها را آتش بزند. وقتی رفقای ما برای شکایت به کمیته رفتند، این افراد فرار کردند.»

«ساعت ۳ بعد از ظهر همین روز، وقتی یکی از رفقای ما سرگرم پخش اعلامیههای انتخاباتی در نزدیکی پل ساوه بود، چند نفر به او حمله کردند. رفیق ما با پخش اعلامیهها در هوا، سعی کرد سرعت از محل دور شود. چند قدم بیشتر نرفته بود که یک کامیون حمل نوشابه رسید و چهار نفر از آن پیاده شدند و یکی از آنها با پنجه بکس به رفیق ما حمله کرد و به زیر چشم او ضربه محکم زد. چند کارگر که از راه رسیده بودند، آنها را از هم جدا کردند. اما رفیق ما چند قدم بیشتر دور نشده بود که یک پیکان آبی از راه رسید و ۴ نفر از آن پیاده شدند و رفیق ما را بیرحمانه بکشد کردند. این بار هم مردم رفیق ما را از چنگ ضد انقلابیون نجات دادند.»

«ساعت ۹/۵ صبح همان روز، هنگامیکه دو نفر از رفقای ما در خیابان آزادی، بعد از تقاطع آذربایجان، سرگرم چسباندن اعلامیههای انتخاباتی بودند، شخصی که یک تاکسی را هدایت میکرد، به تعقیب آنها پرداخت و هر جا که اعلامیههای چسبانده میشد، آنها را میکشید. این شخص بدنیال اعتراض رفقای ما گفت: من از سازمان سیا پول میگیرم و مامور ساواک هستم، هر کاری میخواهید بکنید! ماجرای چسباندن اعلامیه توسط رفقای ما و کندن آن توسط راننده تاکسی معترف به ساواکی بودن، تا کمیته مسجد امام زمان ادامه پیدا کرد. در این جا شخص مشکوک وارد کمیته شد و لحظه ای بعد با چند پاسدار مسلح برگشت و رفقای ما را با کشیدن اسلحه به داخل کمیته بردند. وقتی رفقای ما کارت کمیته را خواستند، راننده تاکسی به آنها کارت کمیته را نشان داد. در آنجا، رئیس کمیته به رفقای ما گفت: اینجا بدتر از ساواک است. شما به جرم کیف کردن در دیوار شهر زندانی میشوید. آنها وسایل کار رفقای ما را گرفتند و آنها را از بین بردند و بدنیال بحث طولانی رفقای ما، که از نفوذ ضد انقلاب در این کمیته تعجب کرده بودند، آنها را آزاد کردند.»

«ساعت ۵/۵ بعد از ظهر همین روز، در میدان حر (باغشاه سابق) هنگامیکه رفقای ما سرگرم دادن اعلامیههای انتخاباتی به راننده اتومبیلها بودند، یک اتومبیل پژو از راه رسید، مردی از آن پیاده شد و با چار و چنگال یکی از رفقای ما را بغل کرد تا بزور به کمیته برسد. بدنیال اعتراض مردم، آن شخص رفت و چند دقیقه بعد با دو مامور کمیته برگشت. ماموران به این بهانه که آن مرد از رفقای ما شکایت کرده، آنها را به کمیته بردند و بعد از رسیدن به کمیته شاکیان قلابی پی کارشان رفتند. در آنجا رئیس کمیته به کمونیستها، اداسی و لنین دشنام داد و بعد از اینکه بدون دلیل رفقای ما را تا ساعت ۱۱ شب در آنجا نگه داشت، آنها را آزاد کرد.»

از شهرستانها نیز خبرهای مشابهی در همین زمینه میرسد. از جمله: در مشهد، کرج، تبریز، اصفهان، خرمشهر، گرمسار و کرمانشاه، رفقای ما را هنگام فعالیت انتخاباتی مضروب ساخته اند. ما ضمن محکوم کردن این اعمال ضد انقلابی از مسئولان دولتی و کمیتهها مصرانه میطلبیم که تندابیرجندی و فوری برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی اتخاذ کنند و نگذارند که ضد انقلاب، در جریان کارزار انتخاباتی و هنگام رأی گیری محیط نا امن بوجود آورده و با اخلاص رأی گیری و خرابکاری به مقاصد شوم خود نائل آید. در آنچه که مربوط به ماس است، با رویکرد باید تأکید کنیم که حزب ما مبارزه قانونی انتخاباتی خود، با اصولیت و پیگیری، با خون سردی و معنات ادامه خواهد داد.

حزب توده ایران از آغاز این هفته، در کارزار وسیع انتخاباتی مجلس خبرگان شرکت کرده است. هزاران جوان توده ای، در چهار گوشه کشور، با چسباندن پوسترها، پخش تراکتها و اعلامیهها، در جوار نامزدهای حزب ما، که برای مردم سخن میگویند و آنها را با مواضع حزب توده ایران آشنا می کنند، به فعالیت چشمگیری دست زده اند.

آنچه در نگاه اول، در این کارزار انتخاباتی بچشم می آید، استقبال بی نظیر توده های از اعضاء و هواداران حزب ماست. در نقاط متعدد، توده ها گرد می آیند، به سخنان توده ای ها گوش میدهند و در باره آن سخنان بحث میکنند. در محلات کارگرنشین، کارگران و خانواده های آنها، به نصب اعلامیهها و پوسترهای حزب ماسک می کنند.

نمونه هایی از این استقبال و پشتیبانی مردم را خیر نگاران «مردم» چنین گزارش داده اند:

«ساعت ۱ بعد از ظهر یکشنبه، هفتم مرداد، وقتی رفقای ما در میدان جمهوری (محمد رضا شاه سابق) سرگرم پخش اعلامیه بودند، چند نفر مزاحم آنها شدند. مردمی که شاهد ما بجا بودند، بشدت به مزاحمان اعتراض و آنها را از سه راه رفقای ما دور کردند. چند لحظه بعد، مرد مستی خودش را به رفقای ما رساند و وقتی فهمید اعلامیهها متعلق به حزب توده ایران، فریاد زد:

**زنده باد حزب توده ایران!**

بعد هم مقداری اعلامیه گرفت و به پخش آنها پرداخت. چند قدم بالاتر، زنی از بالکن یک خانه به رفقای ما گفت:

«مخ و خانواده ام به مریم فیروز و دیگر کاندیداهای حزب رأی میدهم.»

«در خیابان بهبودی، وقتی رفقای ما اعلامیه انتخابات پخش کردند، چند جوان با آنها درباره مجلس خبرگان به بحث پرداختند و گفتند: حزب طرفداران زیادی دارد و کیا توری حتماً انتخاب می شود.»

«وقتی ساعت ۷ بعد از ظهر یکشنبه، هفتم مرداد، دو نفر با موتورسیکلت در میدان بهارستان به یکی از رفقای ما، که اعلامیه پخش می کرد، حمله کردند، مردم به دفاع از او برخاستند و ضمن اعتراض شدید به مهاجمین گفتند که حزب توده ایران روزنامه اش حق دارند آزاد باشند. رفقای ما این دو نفر را به کمیته ۹ در خیابان جنوبی پارک شهر بردند و مسئول کمیته، ضمن تأیید رفقای ما، به آن دو فرد مشکوک گفت: هر اعلامیه ای که مهر و علامت حزب و سازمانی را داشته باشد، می تواند آزادانه پخش شود و عمل کسی که مانع شود، محکوم است. این مسئول کمیته، رفقای ما را با اتومبیل خودش به خانه رساند.»

«وقتی رفقای ما در خیابان فدائیان اسلام، خیابان ۲۰ متری منصور، اعلامیه انتخاباتی پخش می کردند، به کمیته این محل رسیدند و چند اعلامیه به پاسداران دادند. ابتدا یکی از پاسداران با خشونت سراغ آنها آمد. ولی وقتی برایش توضیح دادند که اعلامیهها متعلق به حزب توده ایران است، با لحن محترمانه ای از رفقای ما خواهش کرد به کمیته بروند. جوانی که مسئول کمیته بسود، بعد از مطالعه اعلامیهها، مثنی حزب ما را تأیید کرد و گفت: در جهت وحدت مردم با یکدیگر است.»

«ساعت ۱۱ شب هفتم مرداد، وقتی رفقای ما در غرب تهران سرگرم چسباندن اعلامیههای تبلیغاتی بودند، چند بار ماموران کمیته جلوی آنها را گرفتند، اما وقتی متوجه شدند توده ای هستند با عذرخواهی، برایشان آرزوی موفقیت کردند.»

«در همین شب، ۲ نفر به تعقیب رفقای ما پرداختند و پوسترهایی را که آنها می چسبانده، پاره می کردند. بدنیال اعتراض رفقای ما، آنها گفتند:

— شما آزادید پوستر بچسبانید، ما هم آزادیم آنها را پاره کنیم!

رفقای ما گفتند:

— این عمل شما سوء استفاده از آزادی است.

آنها گفتند:

— چرا در راهیما بی وحدت حتی یک اعلامیه منتشر نکردید؟ فقط حزب توده اعلامیه منتشر کرد.

رفقای ما گفتند:

— خوب ما هم توده ای هستیم.

آن دو نفر با تعجب عذرخواهی کردند و گفتند: ما اعلامیهها را نخوانده پاره می کردیم.

در جوار این استقبال مردم از فعالیت انتخاباتی حزب ما، دشمنان انقلاب ایران نیز با تمام نیرو حاضرند. گروههای بسیج شده ضد انقلاب، با انواع اقسام وسایل، در نقاط مختلف، یسورش به اجتماعات انتخاباتی حزب ما و دیگر نیروهای مترقی جامعه را در سطح وسیعی و با استفاده از فاشیستی ترین روشها پیاده کرده اند. آنچه میخواهند، گزارش مختصری از حمله ضد انقلاب به فعالیت های انتخاباتی حزب توده ایران است:

«ساعت ۷ صبح یکشنبه ۷ مرداد، فرد مشکوکی به یکی از رفقای ما، که در میدان آزادی سرگرم پخش اعلامیه سامی نامزدهای حزب بود، حمله کرد و او را بکشد کرد. رهگذران که متوجه شده بودند رفیق ما بخاطر پخش اعلامیه کتک می خورد. به ضارب اعتراض کردند. در این موقع یک تاکسی از راه رسید و راننده تاکسی و همراهِش شروع به فحاشی به رفیق ما کردند. بدنیال اعتراض رفیق ما، او سه فرد مهاجم را به کمیته سر آسمان مهر آسود بردند. در

# مالکیت نامحدود به نام اسلام

در هفته های قبل از کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان، پیش نویس قانون اساسی پیش از پیش از سوی ارتجاع راست مورد هجوم قرار گرفته است. مایه تأسف است که این حملات زیر پوشش مذهب و تحت لوای اسلام انجام میگردد و اصولی به اسلام نسبت داده میشود، که با روح اسلام، که تعمیم عدالت اجتماعی است، کمترین وجه مشترکی ندارد. از جمله تبلیغ میشود که گویا اسلام برای مالکیت شخصی، که از «راه مشروع» بدست آید، حدودی قائل نیست. منظور آنست که اگر کسی دزدی نکند، رشوه نگیرد و اموال عمومی را تصاحب نکند، بلکه با کارگروهقان قرارداد کار منعقد کند. آنانرا در کارخانه و روی زمین خود بکار وادارد و با آنان مزد بپردازد و از این طریق ثروت اندوزی کند، برای چنین «مالکیت مشروعی» در اسلام محدودیت وجود ندارد. چرا از زیر بزم آقایان «در اسلام اجیر شدن و کار کردن برای دیگری با اخذ اجرت جایز است، مانند مزارعه و مساقات و مضاربه و در اینگونه موارد عمل انسان محترم است و این را استثمار نمیگویند.»

باید از این آقایان پرسید: پس تعریف استثمار چیست؟ اگر اجیر کردن دیگری و بهره کشی از نیروی کار او توسط فرد یا افراد دیگر، استثمار نیست، اگر سیستم مزارعه، که یک پنجم محصول و کمتر از آنرا سهم دهقان زحمتکش میداند و چهار پنجم دیگر را بیجیب ارباب مفتخوار میریزد، سیستمی بیرحم، ظالمانه و مبتنی بر استثمار نیست، پس اصولاً تعریف استثمار چیست؟

نمی توان صرف «رضایت» بزرگسار، کارگر و دهقان را به «اجیر شدن و مزد گرفتن»، نافی خصلت استثمارگرانه قرار داد کار میان کار و سرمایه دانست، زیرا در شرایط فقدان عدالت و تأمین اجتماعی، هر بازاری کاری، برای سیر کردن شکم خود و خانواده اش، ناگزیر میشود بهر قرارداد ظالمانه ای تن در دهد و نیروی کار خود را در قبال یک مزد بخورد و نمیرد به ارباب و کارفرما بفروشد. این چنین «رضایتی» رضایت نیست، بلکه تحمل بیرحمانه نظام های مبتنی بر نابرابری اجتماعی و استثمار به زحمتکشان جامعه است که هیچ قانونی از حقوق انسانی شان حمایت نمیکند. بر چنین بهره کشی ظالمانه ای دین اسلام، که حامی مستضعفین است، هرگز صحنه نمیگذارد و این ستم اقتصادی را بهیچرو تأیید نمیکند.

صحیح است که فالان مالک زمین و کارخانه، برای احراز مالکیت و تشبیه و گسترش آن، نه از دیوار خانه کسی بالا میروند و نه سرگرد را میگیرند، ولی عمل بهره کشی او از نیروی کار زحمتکشان و تخصیص ارزش اضافی تولید شده بوسیله یک، ده، صد و بیشتر دهقان و کارگر زحمتکش، نامش دزدی است و آنچه چنان دزدی که قبیح و شناع است نه تنها از دزدیدن چند تکه جواهر و چند تخته قالی کمتر نیست، بلکه بهر آن بیشتر است. منتهی در نظام های مبتنی بر استثمار، بر این چنین دزدی مهر قانونیت زده اند، آفتابه دزد را میگیرند و دزدان بزرگ، یعنی بهره کشان و استثمارگران را بر مهند حکومت و ریاست می نشانند.

اگر اسلام، بزم این آقایان، طرفدار مالکیت نامحدود باشد، این نتیجه بیار خواهد آمد که شکاف میان طبقات اجتماعی، میان قطب ثروت و فقر روز بروز افزون تر شود. ولی مذهب اسلام، که حامی مستضعف است، هرگز بر چنین تبعیض و ستم اجتماعی مهر تأیید نمیگذارد. این آقایان بنام اسلام، بر اسلام ضربه میزنند و بنام بهبود پیش نویس قانون اساسی، قانون اساسی آینده را از محتوی مترقی آن تهی میسازند.

انقلاب بهمین، که بهمت زحمتکشان به پیروزی رسید، نمیتواند ادامه دهنده استثمار، ستم و نابرابری اجتماعی باشد. انقلاب، که بگفته امام خمینی، انقلاب مستضعفین است، باید از منافع طبقات زحمتکش حمایت کند و آنچنان نظام اقتصادی را بی ریزد، که در سیر تکاملی خود، جایی برای استثمار و بهره کشی، تحت هر عنوان و بهر نام، باقی نماند، شکاف میان طبقات و فقرهای اجتماعی تنگ و تنگتر شود و عدالت اجتماعی بر جامعه حاکم گردد. اینست انتظار مردم!

**از انتشارات حزب توده ایران**

**مبتنی بر نشریه:**

۱ - ترجمه جدید اثر لنین در باره فریاد ریش انگلس از محمد پور هرمان

۲ - ما تریالیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیک آئین.

**بزودی منتشر میشود:**

ما تریالیسم دیالکتیک (کتاب اول) تألیف امیر نیک آئین.

**در انگلستان**

کمک مالی به حزب را میتوان بوسیله آدرس زیرین ارسال داشت:

P. O. Box 141  
London, E7 OPE

**تصحیح**

در نشر «گفتگوی توده ای...» که در شماره ۴۵ «مردم» چاپ شده سه اشتباه چاپی رخ داده که بدینوسیله با عوزش تصحیح میشود:

لزارع - بجای الزارع  
الجنه - بجای الچنت  
اقدام - بجای الاقدام



# رفیق محمدعلی عموی از صدای جمهوری اسلامی ایران سخن گفت



روز سه شنبه ۹ مرداد ۵۸ رفیق محمدعلی عموی، نامزد حزب توده ایران بوی نمایندگی در مجلس خبرگان از تهران، از صدای جمهوری اسلامی ایران، با مردم ایران چنین گفت:

هم میهنان عزیز! این نخستین بار است که میکروفون رادیو و تلویزیون و نیز ستون چراند در اختیار نمایندگان کلیه سازمانها و احزاب سیاسی کشورمان قرار میگیرد و این، نشانی است از آن واقعه سترگی که در میهن ما رخ داده است. انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، با درهم پیچیدن طومار دودمان پهلوی، خصلت دموکراتیک و ضد استبدادی خود را بیان داشت و با خروج ایران از پیمان سنتو، اخراج اکثر مستشاران نظامی امریکائی، برچیدن دستکاهای جاسوسی، لغو تعهدات مربوط به خریدهای کلان اسلحه و وسائل گران قیمت نظامی، ملی کردن بانکها، ملی کردن شرکتهای بیمه، ملی کردن موسسات و صنایع عظیم سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و خاندان منفور پهلوی، خصلت ضد امپریالیستی خود را نشان داد. دستاوردهای انقلاب بسی فزونی از آن است که در این مختصر به ذکر آید و درست همین جهت است که فراریان و زخم خوردگان در کار توطئه اند و سعی میکنند محیط را نا آرام و متشنج کنند، ترس از آینده و بی باوری نسبت به انقلاب را دامن زنند و سرانجام تضعیف انقلاب و رهبری انقلاب را عملی سازند.

حزب توده ایران بارها و بارها نسبت به اقدامات ضد انقلاب هشدار داده است و موثرترین راه خنثی کردن توطئه های ضد انقلاب را در اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی در جبهه متحد خلق میدانند. حزب توده ایران بر آن است که تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب از طریق تدوین هر چه سریع تر یک قانون اساسی در خود انقلاب شکوهمند ایران و تصریح حقوقی که در بر توجانهای انبوه شهیدان خلق بدست آمده است، اقدام لازم و موثر دیگریست برای نوین ساختن امپریالیسم و بازماندگان رژیم منفور گذشته، و از این رو حزب توده ایران، از همان آغاز، خواهان سرعت بخشیدن به روند تدوین و تصویب قانون اساسی بود. اینک در کارزار انتخاباتی مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی، حزب توده ایران نامزد های خود را برای نمایندگی در این مجلس معرفی کرده است. نامزدهای حزب ما، که من نیز یکی از آنها هستم، همگی از پشتوانه افتخار آمیزی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران برخوردارند.

در معرفی خود به اجمال یاد آور میشوم که نام محمد علی عموی است. به لحاظ عضویت در سازمان نظامی حزب توده ایران، پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، همراه سایر همزمان دستگیر، محکوم و زندانی شدم. طی ۲۵ سال، کلیه زندانها، شکنجه گاهها و تبعیدگاههای رژیم تبهکار پهلوی را تجربه و تحمل کردم و بدینال فرو ریختن دیوارهای زندان، همراه با سایر زندانیان سیاسی، در یر تو انقلاب، در کنار شما خواهران و برادران عزیز قرار گرفتم.

### هم میهنان عزیز!

حزب توده ایران، اصول پیشهادی خود را در مورد قانون اساسی طی نامه سرگشاده و نیز در مقالات متعدد روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران به تفصیل بیان داشته است. اینک از این فرصت استفاده میکنم و بر اساس سابقه و تجربه، به نکاتی چند اشاره میکنم.

## ۲۵ سال تسلط اهریمنی بر جان، مال و ناموس مردم

از همان آغاز استیلای خاندان منفور پهلوی پایه های تسلط امپریالیسم جهانی در کشور ما محکمتر شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد این پایه های تسلط توسعه و استحکام یافت و بدست رژیم دیکتاتور و ضد خلقی شاه مخلوع کشور ما به عرصه چپاول و غارتگری بلا منازع امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا تبدیل گردید. کودتای نظامی و ضد ملی ۲۸ مرداد که از جانب و در اثر جاسوسی امریکا و انگلیس طرح ریزی شد و بوسیله مستشاران و اعمال امپریالیسم امریکا و انگلیس انجام گرفت رژیم ضد خلقی شاه مخلوع را بر کشور ما تحمیل نمود که متجاوز از بیست و پنج سال بر جان و مال و ناموس مردم میهن ما سلطه اهریمنی خود را برقرار ساخت. طی این دوران کشور ما به تاراجگاه انحصارات امپریالیستی تبدیل گردید. ثروتهای میهن ما در اختیار انحصارات امپریالیستی قرار گرفت. کشور ما به حساب درآمد های ملی مردم ایران به پایگان نظامی

## ضد انقلاب باشعار «جاوید شاه» به میدان می آید!

ضد انقلاب، که با آزاد شدن صداساواکی در روزهای اخیر نیروی بیشتری گرفته و بسا کند شدن کار دادگاههای انقلاب بی پروا به فعالیت پردازخته است، در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان دامنه تلاش خود را وسعت داده است. ضد انقلاب، که در لباس های گوناگون، از راست راست تا چپ چپ، در کار ضرب زدن به انقلاب است، دیگر هراسی از این ندارد که در لباس واقعی خودش هم ظاهر شود و شعار «جاوید شاه» بدهد. بر اساس اخبار رسیده، نیمه شب دوشنبه هشتم مرداد، گروهی از ضد انقلابیون، در حالیکه سوار ۵ پیکان سفید رنگ بودند، در خیابان استاد مطهری (تخت طاووس سابق) به حرکت درآمدند. این افراد که مسلح بودند، با سرعت حرکت میکردند و شعار «جاوید شاه» می دادند! ضد انقلابیون، درست ساعت ۱۲ نیمه شب، در حدفاصل نادر شاه سابق و لارستان دیده شدند. روز دوشنبه هم در حالیکه گروهی کارگران بیکار شده در جنوب

## انقلاب پر شکوه خلق، شاه را به درک فرستاد

انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما «شاه»، این بزرگترین خائن تاریخ کشور ما را بدرک فرستاد و خط بطلان بر سیاست نظامیگری اش کشید. ارتش نیز که در خدمت این سیاست بود، زیر فشار قدرت اتحاد خلق انقلابی، که در خود ارتش نیز بصورت سرپیچی از اطاعت کور کورانه انمکس یافت، انزم فرو پاشید. اینک یکی از وظایف بسیار مهمی که انقلاب در دستور روز قرار داده است، بازسازی ارتش، یا دقیق تر بگوییم، نوسازی ارتش است. مقصود این است که ارتش باید از نو، از بنیاد نوسازی شود، بطوریکه ارتشی داشته باشیم نه ضد ملی و ضد خلقی، بلکه ملی و خلقی. ارتش ملی، یعنی ارتشی که وظیفه اش نه تجاوز و تهاجم به دیگر خلقها و کشورها، بلکه دفاع از مرزهای کشور، حفظ تمامیت ارضی کشور در برابر تهاجم خارجی باشد. ارتش خلقی، یعنی ارتشی که هیچگاه اسلحه خود را بر روی مردم بلند نمیکند، بالعکس حامی مردم است، با مردم است، پشتیبان مردم است و در نتیجه محبوب مردم و از پشتیبانی مردم برخوردار است. یک چنین ارتشی، ارتشی است ذاتا نیرومند، زیرا متکی به خلق است.

و نیروی خلق راهمتهائی نیست. این نیروی خلق راهمه مادر جریان انقلاب ضد استبدادی و ضد امپریالیستی ایران بچشم خود دیدیم. برای نوسازی بنیادی ارتش ایران، تبدیل آن بسواک ارتش واقعا ملی و واقعا خلقی، قبل از هر چیز باید آنرا از هر نوع وابستگی با امپریالیسم رها نمود. باید قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا را لغو کرد. باید تمامی قراردادهای خرید اسلحه را، که همگی آنها مقید و مشروط اند و وسیله اعمال نفوذ امپریالیسم در ارتشند، لغو کرد. باید تمام مستشاران نظامی امریکائی را از ارتش اخراج کرد. باید ارتش را از عناصری که در غم و آرزو گون شدن رژیم پهلوی آرمیکشند، پاک کرد. سازمان «ضد اطلاعات» ارتش را، که سازمان جاسوسی امریکا در ارتش است، منحل ساخت. باید ساختار ارتش را دگرگون کرد و آنرا بر حسب نیاز مندیهای ملی و جغرافیایی ایران و فقط بمنظور دفاع از کشور از نو ساخت.

باید نوع تعلیمات امریکائی را با تعلیماتی صرفا ملی تغییر داد. باید تبلیغات نوع امریکائی را که مبتنی بر معرفی دوست بچای دشمن و دشمن بچای دوست است، مبتنی بر تلقین روحیه تجاوزی بچای روحیه تدافعی است، ریشه کن ساخت. باید بچای اطاعت کور کورانه، که مختص ارتشهای ضد ملی و ضد خلقی است، انضباط معنوی را بر مبنای آگاهی سیاسی، شرکت ارتشیان در سیاست، آمیختگی با خلق و علاقمندی نسبت به مردم زحمتکش، برقرار ساخت. باید ارتشیان را با روحیه محبت و احترام به مردم ایران و نیز با روحیه احترام به استقلال خلقهای دیگر کشورها پرورش داد. این نوسازی بنیادی ارتش البته کار آسانی نیست. از غرض برخی ها که بگذریم، برخی دیگر در برابر دشواری این نوسازی خیال میکنند که میتوان راه آسان تری را بپیمود و ارتش را با همان شیوه های گذشته بازسازی کرد. با آن مغرضین و با این خطا اندیشان باید شدت مبارزه کرد. همانقدر که تبدیل ارتش بیک ارتش ملی و خلقی از مهمترین وظایف انقلابی است که باید اجرا شود، بازسازی ارتش بصورت سابق ایجاد خطری مهلک برای انقلاب است. این وظیفه و مسؤلیت در برابر مسؤلین دولتی و نظامی نیز با حدت تمام قرار گرفته است.

و حزب توده ایران مانند همیشه برای ایجاد یک ارتش ملی و خلقی مبارزه میکند. برای آن مبارزه میکند که در قانون اساسی ما نیز ایجاد چنین ارتشی تضمین شود.

امریکا تبدیل شد و برای سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم کشور و جنبش های رهائی بخش خلقهای منطقه نقش زاندارم را ایفاء نمود. امپریالیسم امریکا ایران را به زائنده اقتصادی و سیاسی و نظامی خود تبدیل کرد. وجود مستشاران نظامی امریکا و قراردادهای نظامی امریکا با رژیم شاه مخلوع ارتش ایران را بصورت ارتشی جدا از خلق و ارتشی مستعمراتی در آورد.

پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم امریکا در ایران و در سراسر منطقه ضربه مهلکی وارد ساخت. اما امروز امپریالیسم امریکا از تمام وسائل و امکانات استفاده میکند تا این ضربه را جبران کند. امپریالیسم امریکا از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب مردم ایران لحظه ای هم از توطئه و خرابکاری و اقدامات تحریک آمیز علیه انقلاب ایران دستاوردهای آن باز نایستاده است. تمام اقدامات تفرقه افکنانه، خرابکاریها، تحریکات و شایه پراکنیها بر ضد انقلاب که در داخل کشور بوسیله عناصر ضد انقلابی، بازمانده های رژیم شاه مخلوع و ساواکها انجام میگردد، بوسیله دواجر جاسوسی امریکا سازمان داده میشود. حزب توده ایران در این مرحله از انقلاب نیز دشمن اصلی انقلاب را امپریالیسم امریکا و خطر عمده را برای پیشرفت روند انقلابی و به ثمر رساندن آن از جانب این امپریالیسم می بیند.

بعقیده حزب توده ایران مبارزه بر ضد امپریالیسم و بنیاطر استقلال بایستی مبارزه ای اصولی، پیگیر و قاطع باشد. بایستی تمام رشته های را که امکان این تحریکات و مداخلات را برای امپریالیسم میسر میسازد از ریشه قطع نمود. قراردادهای موجود میان ایران و امریکا بویژه قرارداد نظامی دوجانبه باید لغو گردند، مستشاران نظامی امریکه هنوز هم مشاغل حساسی را در ارتش ایران دارند بایستی طرد شوند. وجود این قراردادها و مستشاران نظامی امریکا از اهرمهای مؤثری هستند برای ادامه و گسترش تحریکات و اقدامات خرابکارانه بر ضد انقلاب و منشاء حمایت و گسترش و دلگرمی نیروهای ضد انقلابی در درون کشور.

همه نیروهای راستین انقلابی باید در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و فکری این دشمن اصلی انقلاب یعنی امپریالیسم امریکا بسیج و متحد شوند. حزب توده ایران بطور مستمر در نشریات و نامه های سرگشاده خود به همه نیروهای انقلابی درباره خطری که از جانب امپریالیسم امریکا انقلاب را تهدید میکند هشدار داده و همه نیروهای انقلابی را به اتحاد در مبارزه بر ضد امپریالیسم امریکا و اعمال آن فرا خوانده و میخواند.

بعقیده حزب توده ایران یکانه نه و تفرقه بسط و تعمیق روند انقلابی و به ثمر رساندن نهائی انقلاب، در مبارزه پیگیر و قاطع و همه جانبه در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی و اندیشه ای بر ضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا و یکانه تضمین پیروزی در این مبارزه اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی است.

## بزرگترین خیانت شاه مخلوع

یکی از بزرگترین خیانت های رژیم دست نشانده شاه مخلوع، اتخاذ سیاست نظامیگری، یعنی سیاست سرکوب خونین جنبش آزادی بخش ملی درون کشور و سرکوب جنبشهای آزادی بخش ملی در دیگر کشورهای منطقه بود. این سیاست بدستور امپریالیسم و بطور مشخص بدستور واشنگتن، توسط محمد رضا پهلوی اجرا میشد. ابزار اجرای آن، ارتشی بود ضد ملی و ضد خلقی، که پایه های آنرا مستشاران نظامی امریکائی پس از جنگ جهانی دوم بنا نهادند و سپس بتدریج چنان آنرا ساختند و زیر نفوذ و فرماندهی خود قراردادند که ارتش ایران در واقع ارتشی از نوع ارتشهای مستعمراتی شد. ارتشی شد مجهز به اسلحه امریکائی، تابع پنتاگون، مأمور پنتاگون یا با اصطلاح مستشاران نظامی امریکائی، با ساختار و نوع تعلیمات امریکائی، در معرض تبلیغات امریکائی، و حتی با لباس شبیه به لباس ارتش امریکا. این ارتش وظیفه دار بود که در منطقه نقش زاندارم را برای حفظ ثبات سلطه امپریالیسم و امنیت غارتگری امپریالیسم ایفا کند

اعزام نیروی مسلح به ظفار برای سرکوب جنبش آزادیخواهان خلیج عمان و حفظ سلطنت دست نشانده قابوس، سر آغاز ایفای این نقش خطرناک بود. شاه مخلوع میگفت که او در منطقه رژیمهای «رادیکال»، یعنی طالب استقلال را تحمل نخواهد کرد و حدود عمل او نیز محدود و مرزبندی ندارد. سیاست نظامیگری چنان مقیاسی بخود گرفت که فقط برای تسلیح ارتش با اسلحه تهاجمی، از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ یعنی از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ مبلغ ۴۳ میلیارد دلار به کاوسندو قهای انحصارات اسلحه سازی ریخته شد. تمامی قراردادهای خرید و فروش اسلحه، مقید به این شرط بود که این اسلحه در زمان و مکانی میتواند بکار رود که پنتاگون، یعنی در واقع دولت امریکا مجاز بداند. و دولت امریکا میتواند چنان مکان و چنان زمانی را برای استعمال این اسلحه مجاز بداند که نتیجه آن نابودی کشور ما گردد. و این خطر آن چنان بود که «آریامهر» وعده میداد که ایران را بزمن سوخته بدل خواهد کرد و نیز با اصطلاح پیشگوئی میکرد که جنگ جهانی از ایران شروع خواهد شد.

# رفیق مریم فرمانفرمائیان (فیروز) از صدای جمهوری اسلامی ایران سخن گفت



رفیق مریم فرمانفرمائیان (فیروز)، نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان از تهران، از صدای جمهوری اسلامی ایران، با مردم ایران چنین گفت:

اینجانب مریم فرمانفرمائیان، شهرت فیروز، افتخار آنرا دارم که از جانب حزب توده ایران برای نمایندگی در مجلس خبرگان نامزد شده‌ام.

در سال ۱۳۲۰، هنگامی که حزب توده ایران فعالیت خود را آغاز کرد، بدون هیچگونه تبعیضی برای زنان حق مساوی با مردان را خواستار شد و از همه زنان خواست که در مبارزات ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و دمکراتیک شرکت کنند و فعالانه در امور سیاسی کشور خود دخالت نمایند، انتخاب شوند و انتخاب کنند و بتمام معنی در امر تعیین سرنوشت کشور و ملت خود دخیل و صاحب نظر باشند.

حزب ما حزبی است از آن مردم و از مردم و برای مردم وزن نمی‌آورد. از جمعیت ایران است. حزب توده ایران، بطور صریح و قاطع معتقد است که جامعه زمانی می‌تواند رشد یابد، پرورش پیدا کند و شکوفای شود که همه افراد آن در امر سازندگی این جامعه شرکت داشته باشند و اگر نمی‌آید از آن راکتار بگذرانند، این جامعه نمی‌تواند استوار بر روی پای خود قرار گیرد، همانند آن است که از انسانی فلج شده بخواهیم که راه برود. این است که حزب توده ایران همیشه کار خود را بر روی این اصل بزرگ گذاشته است «که تا زن در مبارزات شرکت نکند، مبارزه‌ای بشمار نخواهد رسید». و عملاً هم در جریان زندگی و مبارزات دیده شده که این اصل درست است.

زن در اجتماع ما مقامی بسیار پست داشت. قوانین او را در ردیف مجازین قرار داده بودند. اجتماع این توهین بزرگ را بر خود روا داشته بود که در دامان کسانی پرورده شود که ناقص‌العمل شمرده می‌شدند. در ایران براساسی زن ستم‌دیده‌ترین ستم‌دیدگان بوده و اکنون هم هست.

با مطالعه وضع زن در ایران به معنای درست این جمله پی می‌بریم، «پیش از اینکه در اجتماع برده‌ای وجود داشته باشد، زن برده شده بود».

در دوران اختناق، در سالهای مخوف رژیم دژخیمی محمد رضا، زنان در مبارزات مردم شرکت کردند و به اشکال مختلف با این ضحاک عصر به مبارزه برخاستند.

زیاد هستند مادرانی که فرزندانشان در راه مبارزه شهید شده‌اند، به زندان افتاده‌اند و زیاد هستند دختران و زنانی که خود به زندانها افتاده‌اند، شکنجه دیده‌اند، ایستادگی کرده‌اند و یا شهید شده‌اند.

در تظاهرات علنی این زنان، باید بسا نهایت سربلندی از تظاهرات خانوادگی افسران و سرپاذهانی که رژیم مغرور پهلوی به ظفار فرستاده بود، نام بود. دردنیایی کسی نمیدانست که محمد رضا پهلوی به چه جنایتی دست زده است و چگونه ارتش ایران را برای سرکوب انقلابیون و آزادیخواهان ظفار فرستاده است. و ناگهان زنان دست به تظاهرات زدند و خواستند که عزیزانشان از صحنه این کارزار برگردانده شوند. و این پرده‌داری بدست زنه‌ای از جان گذشته انجام گرفت.

تظاهرات دیگر زنان که بدستی وضع زندگی رقت‌بار مردم را روشن کرد، اعتصاب آرام و همگانی زنان سراسر تهران بود که از خوردن گوشتی که تنها بدمردود می‌خورد، سرباز زدند.

صف بی‌پایان مادران و زنان زندانیان سیاسی در جلوی زندانها، یکی از حیرت‌انگیزترین تظاهراتی است که زنان، آرام، و با متانت و از خودگذشتگی دست بان زدند. این صف طویل که همه روز می‌ایستاد و با بودن خود افسانه «تعداد کم زندانی» را درهم میکوبید، موجب شگفتی و تحسین همه مردم گردید.

نقش زنان در انقلاب ایران موجب سربلندی و افتخار نه تنها زنان، بلکه همه مردم ایران و همایه اعجاب مردم سراسر جهان است. صفهای فشرده زنان در جلوی تظاهر کنندگان، آمادگی آنها برای مبارزه، برای کشته شدن، دنیائی را متحیر ساخت. این زنان، از جوان و سالخورده، از هر قشر و طبقه‌ای، یک دل و یکجان، دست خالی، بسا تانک و گلوله در افتادند، صدها نفر از آنها تهاد روز جمعه خونین کشته شدند، اما عقب ننشستند تا انقلاب پیروز شد.

و از اینجاست که امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، خطاب به زنان می‌گوید:

«من از شجاعتی زنان ایران احساس غرور میکنم.

# رفیق احسان طبری از سیمای جمهوری اسلامی ایران سخن گفت



روز سه شنبه بعد از ظهر رفیق احسان طبری عضو هیئت سباهی کمیته مرکزی حزب توده ایران و نامزد حزب برای نمایندگی در مجلس خبرگان از سیمای جمهوری اسلامی ایران با مردم ایران چنین گفت:

آزادی‌های دمکراتیک و حقوق دمکراتیک توده‌های مردم، از جهت تصریح حقوق حقه خلق‌های ایران در تمهین سرنوشت خویش، از جهت تصریح برای حقوق زنان ایران با مردان در همه عرصه‌ها، از جهت تصریح تفکک نیروهای سگانه و استقلال قوه قضائیه و محوقطی هرگونه سازمان تقییمی و شکنجه جسمی و روانی و تمهین دقیق نقش نیروهای مسلح بمنوان ابزار حاکمیت خلق و دفاع از تمامیت ارضی کشور باید از متن کنونی خود دقیق‌تر، روشنگر و مترقی‌تر شود تا در خورد انقلاب

من احسان طبری طی این چند دقیقه‌ای که در اختیارم گذارده شده، خود را بمنوان یکی از نامزدهای حزب توده ایران معرفی می‌کنم.

خود اینجانب از جهت رشته تحصیلات دکتر در رشته فلسفه و از جهت مقام سیاسی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران هستم، که در کنار شش تن دیگر از نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس خبرگان، برای اصلاح، تکمیل، و تصحیح پیش نویس قانون اساسی مایلم شرکت جویم.

حزب ما در عین حال به نامزدهای سازمانهای دیگر مترقی مانند آیت‌الله طالقانی، مسعود رجوی، ابوالحسن بنی‌صدر رای میدهد.

حزب ما پیش‌نویس قانون اساسی را یک زمینه خوب و مثبت می‌شمارد، ولی بر آنست که این پیش‌نویس از جهت تمهین راه‌رشد اقتصادی و اجتماعی کشور ما، از جهت تمهین مبنای حکومت جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست بین‌المللی، از جهت تصریح

حماسه آمیزی باشد که مردم ایران بر رهبری امام خمینی علیه امپریالیسم، استبداد و به‌خاطر دفاع از حاکمیتشان شهروده‌بندی و فکری انجام داده‌اند.

نامزدهای حزب مادر تهران با چهل سال سابقه سیاسی و بیش از هشتاد سال حبس‌دزدان‌های مخوف شاه سابق می‌توانند مورد اعتماد کامل خلق‌های ایران باشند.

به نامزدهای حزب توده ایران رای بدهید!

شما زنان دلیر در این پیروزی پیشقدم بودید و هستید. شما مردان را تشجیع کردید. ماهمگی مرهون شجاعت‌های شما زنان شیردل هستیم.»

نقش زن ایرانی در امر تولید انکارناپذیر است. زنان در امر تولید ثروت ملی همیشه شرکت داشته‌اند و دارند، اما تا کنون از کارزن، بهره‌برداری شده است، ولی زن حتی به این ثروت نداشته و هنوز هم ندارد.

برای رفع این بیعدالتیها ما میخواهیم که، - زنان در هر واحد تولیدی که کار میکنند باید مزد مساوی با مرد در برابر کار مساوی بگیرند.

- زن باید از حق بیمه اجتماعی و تامین کار برخوردار باشد. - به زن باید امکان داده شود که دانش خود را در هر رشته‌ای که میل دارد، گسترش دهد.

- زنان باید هم‌سطح با مردان از حقوق بازنشستگی و مزایای مربوط به آن برخوردار شوند.

- زنانی که به کارهای فصلی می‌پردازند، باید از حقوق کار و بیمه های اجتماعی استفاده نمایند.

- باید برای همه مادران در سطح کشور، چه در روستا و چه در شهرها، شبکه‌های رسیدگی بوضع خانواده و زایشگاه شیرخوارگاه و کودکستان ایجاد شود.

- پیشنهاد ما این است که به همه خانواده‌هایی که درآمد کم دارند و بادر نظر گرفتن تعداد اولاد کم‌کهای مادی شود.

یکی از منابع عظیم ثروت ایران قالی بافی است که بطور عمده بدست زن و کودک ایرانی انجام میگردد. ولی اینها از این منبع بزرگ ثروت بهره‌ای ندارند و غالباً زندگی پردرد ورنجی را میگذرانند.

در روستاها و شهرستانهای اطراف کاشان و یزد این موضوع به چشم خورده است که اکثریت زنها مبتلا به چشم‌درد و روماتیسم مبتلا هستند. ولی پزشکی که در این امر تحقیق بسیار کرده است، میگفت که اینها چون از آغاز کودکی پهای دار قالی نشسته‌اند و گره‌های ریزنده‌اند، مبتلا به کم‌سوئی چشم و تغییر ستون فقرات و استخوانهای پا شده‌اند و به هیچوجه نه روماتیسمی وجود دارد و نه چشم‌دردی. تنها کارمشقت بار یک عمر آنها را مبتلا به دردهای بیدرمان کرده است.

ما معتقد هستیم که باید درباره این زنان و کودکان، کلبه در سراسر ایران برانگیزد، شبکه‌های بهداشتی، بهداشتی و آموزشی در نزدیکی آنها برقرار گردد تا وضع این خانواده‌ها را مستقیماً زیر نظر بگیرند و حق زن از حاصل این کار رسماً و بر پایه قوانین کار حفظ شود.

ما معتقد هستیم که، باید شبکه‌های آموزش رایگان سراسر کشور را زیر پوشش خود قرار دهد. - امکان آموختن و شکوفائی استعدادها برای همگان فراهم شود. - آموزش باید دست کم تا شش سال ابتدائی اجباری اعلام شود. - ایجاد کلاسهای اکابر برای دختران و زنان در سراسر کشور یکی از ضروریات انقلاب است.

باید شبکه‌های بهداشتی و درمانی رایگان در سراسر کشور ایجاد شود و برای این هدف قبل از هر چیز باید از همه مردم در امر پاکسازی و نگاهداری محیط زیست و پیشگیری از بیماریهای قابل پیشگیری کمک خواست و به آنها یاری رساند و این امر خطیر را با ریختن یک بر نامه چندساله و با گذاشتن امکانات مادی و انسانی در اختیار مردم میتوان سر و سامانی داد.

- فساد و شیوع مواد مخدر یکی از اذیت‌های شومی است که رژیم پهلوی برای مردم کشور از خود باقی گذاشته است، و این رژیم علل واقعی این بدبختیها را، که زائیده فقر و بیسوادی و جهل است، نه تنها نتوانست از میان ببرد، بلکه آنها را پرورش داد و با خاک سیاه نشانند عمده زیادی از جوانان، از راه فروش هر توپ برترت گردانندگان رژیم افزود.

اکنون پس از این انقلاب مردمی، باید این علل از میان برداشته شود، امکان زندگی انسانی به مردم داده شود، تفریحات سالم برای جوانان ایجاد گردد، فساد و فحشا زائیده فقر و گرسنگی است. تا کودک گرسنه وجود دارد، تا محل بازی کودکان خرابه‌ها و وزبانه‌ها است، فساد نیز در آنجا خانه گزیده است.

امام خمینی در گفتگویی با زنان گفته‌اند: «شما همانگونه که در نهضت نقش اساسی داشته‌اید و سهم بوده‌اید، اکنون هم باید در پیروزی سهم باشد و فراموش نکنید که هر موقع که اقتضا کند نهضت کنید، قیام کنید، مملکت از خود شما است.» بر روی این گفته‌هاست که ما از همه زنان دعوت میکنیم که از حق خود دفاع کنند و از این موقعیت استفاده نمایند و برای رسیدن به یک زندگی انسانی و درخورشان مادر وزن یا به مهدان گذارند و کسانی را برای مجلس خبرگان انتخاب کنند که به راستی یک عمر برای گرفتن حق زن مبارزه کرده‌اند، او را هم‌پا و هم‌ساز مرد هم‌سازند، او را محترم میدانند و میخواهند که فکر و نیروی او در همه شئون اجتماعی برای بارور ساختن انقلاب به کار افتد.

حزب توده ایران، شما همه مردم را به اتحاد همکاری دعوت میکند. وحدت کلمه و عمل، انقلاب شکست‌ناپذیر ما را بوجود آورد

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۳۳۵۵۹، ۹۳۳۷۳۸، ۹۳۳۵۵۹، ۹۳۳۷۳۸، ۹۳۳۵۵۹، ۹۳۳۷۳۸، ۹۳۳۵۵۹، ۹۳۳۷۳۸ از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

- ۱- حساب بانکی به نام تقی‌کی‌منش و به شماره ۴۴۴۴، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
- ۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۴۱۱۰ بانک صادرات

پیروزی کرد و اتحاد و همکاری است که میتواند جامعه نوین را بر پایه‌های درست بسازد.

هم‌میهنان و خواهران عزیزا حزب توده ایران در طی زندگی و مبارزات خود نشان داده و ثابت کرده است که طرفدار اهداف منافع مردم سراسر ایران من جمله زنان است.

حزب توده ایران از آن شما، از خود شما، و مدافع شماست. امیدواریم که با صمیمیت و همکاری بتوانیم ایرانی به راستی مستقل، آزاد و آباد بسازیم.

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق